

بحران رژیم تشدیدیه میشود

بن بست و بحران رژیم ارتجاع که همچنان تشدید می شود. هر چندنگاهی باشد با رژیم بهشتی به نمایان شدن در این زمینها رویدادهای چندماه گذشته، بویژه دروازه های جنگ و بحران اقتصادی نمودار بارزی است که باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

جنگ همچنان عمده ترین عامل تشدید بحران رژیم است. سال گذشته حکومت همه نیروی خود را بسیج کرد و کوشید با حرکت در آوردن امواج بزرگ انسانی و به قیمت قربانی از خون جوانان کشور در جبهه ها امتحان زری بندست آورده و با تکیه بر مسلسل و در دست خود نشان دهد. اما این نقشه پس از قتل عام قیام دهها هزار سرباز و بسیجی و با مسیبه های بسیار باقی و با تلفاتهای عراق، شکست خورد. در پی این شکستهای سنگین و سنگین و افزایش چشمگیر اعتراضات مردم علیه ارتجاع جنگ و کمینگری تشدید می شود و این امر را پیش وینا را پیش در میان نظام سیاسی سران حکومت مدعی شده که استراتژی جدید نظامی برگزیده و اینبار می خواهد دنیا "حیلات محدود و مکرر" به گفته خود "جیش معاصیه" را از پای در آورند. اما رژیم مرتجع عراق که با تکیه بر عمل نظامی و سیاسی را پیش از این از حریف مرتجع و دیوانه خود برنده است، با دامن زدن به "جنگ شهرها" و درجندگی از جنایت را آغاز کرد. در این دور صدام فاشیت کوشید با فروریختن بمب در کوی و بسوزن شهرها و کشتار مردم غیر نظامی، خمینی را زیر فشار بگذارد و صلح را به وی تحمیل کند. "حسرت امام" در برابر حمله های پیاپی هوایی به تهران و دیگر شهرهای کشور تنها توانست چنان را از زیر پوشش خدوهای قرار دهد و همراه "بیت خود در آستانه امن و راحت بیلابلی، جوق قربانیان رژیم جنون و جنایت فاشیه بخواند. مردم صلح دوست میهن ما که از ادامه جنگ، از جفا و زکری و از حمله به خاک همسایگان نبرد دارند و با نهایت که مسلح فوری ترین راه است آنهاست، این بار تا کسب کشور، تا قلب بحران و در خانه های خود، بسنجدون هرگونه دفاعی، آماج بمب های رژیم عراق می شدند. بیایم بدانیم عملیات کثیف بی نظیری، اوج گیری سریع اعتراضات مردم علیه جنگ و رژیم بود. رژیم که در جریان بهمان را از بهر بهر توسط رژیم صدام به پیش ازین آماج اعتراضات بوده ای قرار گرفته و بدلیل ناتوانی در دفاع از پایداری خود به شدت تقویت شده و رجز خوانندگی آن رسواتر شده بود، کوشید با تیرنگ های تازه ای سیاست اعتراضات مردم را منحرف سازد. در این راستا ایران جمهوری بویژه تلاش کردند تا زنجیر بسیار تشدید نفرت شده ای نسبت به تبهکاران رژیم صدام به سود خود بهره برداری کرده و بدینوسیله هم سمت اعتراضات علیه جنگ و رژیم را منحرف سازند و هم بهریم تازه ای برای تنویر جنگ فراهم کنند. اما این نقشه نیز شکست خورد و مجموعه اعتراضات علیه جنگ و رژیم، و روند پیوسته خودنمایی شعارهای ضد جنگ و ضد رژیم، همچنان در مسیر توسعه و تکوین تدریجی پیش رفت. رژیم صدام که با حمله به شهرها نتیجه عکس

بقیه در صفحه ۲

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فدایی قهرمان، رفیق رضی الدین تابان قیروان شد!

همانا رها نشی میهن و بهروری مردم استهناه اند. در میان گروه تازه اعدام شده ها نسیم رفیق رضی الدین تابان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به چشم می خورد. رفیق رضی الدین تابان در افسندماه سال ۶۰ دستگیر شده بود. او در تمام سه سال گذشته تحت فشارهای شدید و شکنجه های وحشیانه قرار داشت. رفیق رضی در مقابل همه ددمنشی های شکنجه گران با سربلندی توانست تمامی اسرار و اطلاعات خویش را حفظ کرده و دشمنان را تا کلام بگذارد. مقاومتی که وی در برابر شکنجه جلاان و رژیم انجام داد، جلوه ستایش انگیزی از اراده شرف فدائیان خلق در پایبندی به آرمانها و شرف انقلابیشان است. در زندان اوین در میان بقیه در صفحه ۳

هم میهنان گرامی! مردم مبارز ایران! با رژیم رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، جنایت تازه ای آفریده است. در آخرین روزهای مسماه گذشته، بهش از ۵۰ نفر از کادرهای سازمان ما و دیگر فعالین جنبش انقلابی ایران به جوخه اعدام سپرده شدند. هم میهنان زحمتکش و تحت ستم! ایفانی که اخیرا به دست جلاان رژیم به خاک و خون در کشیدند، همچون هزاران نفر از دیگر فرزندان شما که بندست حکومت جبار و خونریز خمینی به شهادت رسیده اند، انقلابیون ایران گذشت ای بودند که در راه رهایی از قید این رژیم بلید دلاورانه رزمیده، مدتها می مدید در سبای هالها شکنجه شده و بالاخره سر در راه آرمان خود، که

جمهوری ضد بشر

سردمداران رژیم با فریبها و ترفندهای از جمهوری اسلامی خود بیعتوان "نظام نموده جهان یا دم کند و ترا هدیه ای آسمانی، برای زمینیان که در ظلمت و تیرگی قرار گرفته اند، می دانند و همه را بسوی پیروی از راه خود فرا می خوانند. ولی مدت زیادی لازم نبود تا حقیقت روشن گردید و چهره واقعی رژیم سفاک اسلامی آشکارا شود. بجای فرشته نجسبات هیولای کربیی عرض اعدام کرد که ما به نسیک کشورباستانی ما گردید. از میان کرد و غنباری کسه قرون و سطرایی پدیدار شد. و واقعه که نمونسه بودن خود را در این زمینه هر چه بیشتر به تنفس پیش گذارد. نفی کامل حقوق و آزادیهای قیام سوردی و اجتماعی، اختیاری و سرکوب هرگونه فکر مخالف و بطور کلی نقض کامل حقوق بشر را زویگیهای این رژیم است. اکنون دیگر مدتهاست که طشت رسوایی رژیم از بزم بزیرافتاده و جمهوری اسلامی در سطح جهانی بخاطر جنایتهاش انگشت نما شده و هر روز رسواتر می شود.

بقیه در صفحه ۳

اخراج کارگران پایان باید یابد!

کاهش شدید ذخیره رزی رژیم در شرایط ادامه جنگ و بحران همه جا شده، موجب عدم گشایش اعتبار برای تهیه مواد اولیه و قطعات مورد نیاز و اوضاع تولیدی شده است. بطوریکه سطح تولید در اکثریت واحدهای تولیدی و صنعتی شدت تا بین آمده و در تعداد زیادی از این واحدها، تولید به ای مدت منتهی با امرای مدت تا سلطوی خوا بیده است. این بحران ورکود، اخراجهای وسیع تسلسل شده ای، با زحمت های تحصیلی، با زحمت های زود تراز موقع، نقل و انتقال های اجباری به واحدهای دیگر و رخصتی های اجباری کارگران را به دنبال داشته است.

بقیه در صفحه ۱۵

انقلاب سوسیالیستی اکثریت، بزرگترین پیروزی کارگران و رنجبران جهان

بود. پیروزی اکثریتشکافی عمیق در جبهه جهانی سرما به داری و اردناخت. اکثریت را به پیروزیهای آینده، راه جامعه بشری سوسیالیستی خود را به برپایی جامعه شکوفای کمونیستی را گشود. انقلاب اکثریت را غا زودرونی نویں در تاریخ بشریت، دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم گردید. انقلاب اکثریت، بطلان شوربهای رنجا سوسیالیسم را که منکر پیشرفت گریزنا پذیرتر را برپا کرده و سعی

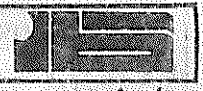
در باره پیروزیهای سوسیالیستی
در صفحه ۶
شایسته تقدیر در پیروزیهای سوسیالیستی
در صفحه ۸

۷ نوامبر (۲۵ اکتبر به تقویم قدیم) به سمت و هشتمین سالگرد تأسیس نخستین دولت کارگری جهان، با انگسره انقلاب کمونیستی سوسیالیستی اکثریت، جشن بزرگ مردم شوروی و کشورهای سوسیالیستی و جشن همه کمونیستها و کارگران و رنجبران جهان است.

انقلاب اکثریت عمیق ترین دگرگونی انقلابی سراسری تاریخ جامعه بشری است. در اکتبر سال ۱۹۱۷ برای نخستین بار در تاریخ حکومت از دست اقلیت استعمارگران به دست اکثریت استعمار شوندهگان افتاد و دولتی با بگذاری شده هدف آن برانداختن هرگونه بهره کشی و ستم و تبهکاری اجتماعی

- ۱. بیامون کارسازمانگرا نه در میان کارگران و زحمتکش در صفحه ۸
- ۲. جمهوری اسلامی از نگاه امپریالیستها در صفحه ۱۲
- ۳. فریبکاریهای منتظری در صفحه ۴
- ۴. دانش آموزان علیه جنگ و رژیم در صفحه ۱۲
- ۵. تبدیل سیاه از تخاصم به ارتش در صفحه ۷
- ۶. مبارزات حاشیه نشینان در صفحه ۱۵
- ۷. عملیات تروریستی رینگان در صفحه ۹
- ۸. حمله تروریستی اسرائیل به پایگاه "ساف" در صفحه ۹

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!



ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

بحران رژیم

بدست آورد، و با وجود تعارضات در میان مردم ایران و سراسر جهان رو به رشد است. این با واقعیت صدور نفت ایران را آماج قرار داد و نیروی در جزیره خارگ و خلینج فارس متمرکز کرد. البته رژیم مدام از آغاز این هدف را داشت اما تنها پس از دریافت تسلیحات ضروری و فراهم شدن شرایط و تغییر نسبت تسلیحات جنگی - به طور خاص در نیروی هوایی - به سود خود می توانست مثل امروز جزیره خارگ و دیگر کشتی های نفتی دریایی را مورد حمله قرار دهد. هدف اصلی رژیم مدام از حملات پیاپی اخیر به خارگ و دیگر کشتی های نفتی درخلینج فارس قطع مسیر نفت ایران و در نتیجه قطع شاهراه تأمین انرژی رژیم خمینی است که پیامد آن بصورت نا توانی رژیم در تأمین سلاح از کشورهای غربی و اقتصاد بی آسرویی دیگر برومی است. هدف دیگری که رژیم مدام از کشتن نیروی دریایی و تغییر نسبت تسلیحات جنگی برای منطقه ای کردن جنگ و تبدیل آن به جنگ عرب و ایرانی است. نیروی هوایی عراق که بر نیروی هوایی خمینی برتری یافته، تاکنون طی دهها حمله به خارگ بخش عظیمی از تأسیسات ضروری و نا بیهوده کرده است. افزون بر این شمار زیادی از نفتکشهای ریک به خارگ مراجعه کرده اند اما ج حمله قرار گرفته و آسیب دیده اند.

نفت خا خونی است که در دهکدهای اقتصادی جمهوری اسلامی به گردش درمی آید و خارگ نیز قلبی است که این خون را به گردش در می آورد و اکنون قلب اقتصاد رژیم آماج بمب و موشک است.

سرا ن جمهوری اسلامی پس از باره شدن سپهر دنیای خارگ و نا توانی از رفع حملات هوایی عراق و لمس کردن خطر ترکیب و قطع ضرورت، در اوج سراسیمگی باز هم رجز خوانیهای جنگ افروزان خود را شدید تر ادامه می دهند. سرا ن جمهوری نفت خا راه چاره را در این دیدنکه اعلام کنند، "اگر ضرورتی برای ایران قطع شود، ایران تنگه هرمز را خواهد بست". تهدید به بستن تنگه هرمز نه تنها پشتوانه ای ندارد و هیچ درمانی برده های رژیم نیست، بلکه باز هم بیشتر رژیم را در نا توانی قرار می دهد. چرا که هرگز نمی تواند خط لوله و از خاک کشورهای همسایه نفت خود را صادر کند در شرایط کنونی قطع رفت و آمد از تنگه هرمز ضروری است. آن نخواهد بود. از این گذشته برخی اینکه جمهوری اسلامی به تنگه هرمز حمله کند، بلافاصله مستقیماً رویاروی تمام کشورهای عربی ساحل خلیج فارس قرار می گیرد که نفت خود را از این طریق صادر می کنند، چنین وضعیتی درست همسایگان چیزی است که رژیم مدام خواهان آن است. در این میان موضع آمریکا نیز کاملاً روشن شده است. ابتکار عمل بطور کامل به دست آمریکا خواهد بود. ریگان دولت آمریکا را وی روشن کرده که در آرزوی چنین فرصتی هستند تا رژیم خمینی را از بین ببرد و "تأمین امنیت خلیج فارس" یا به عبارتی به مصالح ملی مردم ما و همه ملل منطقه ادامه جنگ و دست یازیدن به اجزای هوایی آنها و شکار زکراته، رژیم مدام با گسترش جنگ به خلیج فارس چاره را برای گسترش هر چه بیشتر خطر نظامی آمریکا در خلیج و مداخله مستقیم آن در امور کشورهای منطقه صاف تر می کند. رژیم خمینی، همسایگان خود را در دهکدهای خلیج فارس با همسایگان خلیج فارس قرار داده، حاضر است به هوای امیال تنگ و زکراته خود مصالح کشورهای همسایه ملل منطقه را فدا کند و تنها امنیت منطقه، بلکه به گفته خود حتی سالم جهانی را هم به خطر افکند.

چند ماه قبل از این وزیر منابع رژیم مسکن یک خود افشاکری پی برده، اعتراف کرد که منابع مسکن جمهوری اسلامی بر سر راه بسته و مونتازگار است و گفت: "حتی مرغ ماه مونتازگار است". همین وزیر اخیراً گفت منابع مسکن رژیم به ماه اول سال جاری نسبت به متوسط تولید ماهها نسال گذشته ۲۴ درصد کاهش داشته است. محسن نوربخش مهره دیگر ارتجاع نیز اعتراف کرده که در سال پیش رشد بخشهای کشاورزی، معدن، برق، آب و گاز و سایر منعی ویا متروک شده است" (اطلاعات ۱۲ اردیبهشت) و لیا لیه زمانی یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع نیز در جلسه ۲۴ تیر، مجلس گروه دیگری را نشان کرده و می گوید: "۶۰ میلیون هکتار زمین در حال تخریب و در سیر تقی برای راجه گسائی با بدریابند؟ مسئولیت نابودی جنگلهای غرب و شمال کیست؟ حال این همه را بنگارید و در کنگره ویرانیهای جنگ تا کارنامه قدرت ارتجاع تکمیل شود در آینه بسبار ه سرپرست، ستاد بازاری و نوزاداری مناطق جنگنده می گوید: "با تخریب ۸۱ شهرو ۳۰۹۱ روستای کشور از آغاز جنگ تحمیلی تا پایان اسفندماه ۶۳ بیش از دو بیست میلیون روستا و بیست و سه میلیون دلار بخر دستقیم و غیر مستقیم خسارت جنگی به کشاورزان آمده است" (زاد و جمهوری اسلامی ۶۳/۲/۹).

طی ماههای اخیر صدها کارخانه نیمه تعطیل و تعطیل شده و در اکثر کارخانهها تولید مسدود گاهتی یافته است. کارخانه ایران تا سونسل بنزخاورد، دارو پخش، ایران با سازی سازی شهریا فولاد سازی اوزاز زمهره کارخانههای صنعتی تولیدات شان به شدت کاهش یافته و برخی بحالت نیمه تعطیل درآمدند. کارخانه کشف ملی و جنرال تا نیز از زموند آن دسته از کارخانهها هستند که تولیدشان بلکی خواهد داشت.

به موازات کاهش و قطع تولید در کارخانهها، هزاران کارگر کارمند دسته اخراج و یا با خرید و یا بسته اجباری می شوند. ارتش میلیونی بیکاران همچنان انبوه ترمی نشود، در شرایط کنونی بگون کاملاً بی باقی دهها هزار کارگر معنی و متخص، هر روز در دسته های بزرگتری به ارتش بیکاران می پیوندند.

هم اکنون بیش از هر زمانی جنگ و بیجسرا ن اقتصادی به هم گره خورده است. در واقع جنگی که درخلینج فارس و جزیره خارگ جریان دارد بطور خاص جنگ نفت با جنگ اقتصاد است. اقتصاد متلاشی شده جمهوری اسلامی تنها به اتکالی نفت هنوز زندگی می کند. بنا بر این اساس نفت شدیداً ضرورت دارد. نتیجه حملات عراق به خارگ و به کشتیهای نفتی غربیتی ترکیب است. اگر ضرورتاً جزیره خارگ قطع شود، رژیم بخش اعظم امکان تأمین انرژی را از دست می دهد و بدین ترتیب نه تنها در زمینه خرید تسلیحات جنگی، بلکه در زمینه تأمین مجموع مواد و قطعاتی که کار و تولید کارخانهها بدان وابسته است، درین بینت کامل قرار می گیرد و در نتیجه قطع تولید کارخانهها و اخراج کارگران ورگود اقتصادی به نقطه اوج می رسد. چنین رویدادهای طبیعتاً بحران هر چه شدیدتر اجتماعی و سیاسی را در پی خواهد داشت. نکته مهم این است که بحران اقتصادی رژیم، علیرغم صدور مقررانه رگلائی نیست ادامه و تکوین یافته و امروز فردانیز، حتی اگر حجم نفت فروشی رژیم کاهش نیابد، این بحران عمیق تر خواهد شد. تکوین تدریجی بحران اقتصادی در روند همگامی آن، و امکان اوج گیری سریع بحران در نتیجه کاهش تولید مسدود و دو چینی هستند که هر یک در جای خود با هم سرگرد توجه دقیق قرار گیرند و در رابطه با هر سنگ پیوسته ای های ضرورتی گیرند.

بحران درون هیات حاکمه نیز، بسیار مهم تلاشی است که خمینی و منتظران و دیگران بسرا ی تعدیل آن انجام داده و می دهند. همچنان ادامه دارد و هر از چندگاهی شدت خاصی بخود می گیرد. آخرین نمونه و شوم، در این زمینه کشاکشهای شدید حکومتیان در جریان انتخابات رییس جمهور، خصوصاً در جریان گزینش نخست وزیر است. کشاکش بر سر ترکیب کابینه سالهاست که ادامه دارد. جناحی از ارتجاع خواهان روی کار آوردن مهره مناسب تری بجای موسوی است و معتقد است که موسوی و نزدیکان کابینه وی با سرعت لازم بر نامه ولایت فقیه در عرصه های اقتصادی - اجتماعی را بنیاده نمی کنند. خمینی و منتظران هنوز نفی سخت و بیبراطلاع نمی دانند و تاکنون بیشترین تلاش را کرده اند. نکته مهم آن است که بدست همین وزیر چاره عمل به پیش رویین ترتیب سازش لازم پیدا آوردند. اما تلاشی آنها هرگز نتوانست به این کشاکش خاتمه دهد، بهرین درجائی که گزینش مجدد موسوی به نخست وزیر این کشاکش منجر به نی افشاکر دستور خمینی آسروی عده کشیجری از مجلسیان شد.

قبل از معرفی موسوی، خامنه ای رییس جمهور کوشید تا همه حکومتیان بر سر فردا حدی توافق کنند، اما یک دسته بندی بزرگ از حکومتیان اصرار داشتند که از میان چهره های کشیجری دارای سنساق قبسه طولانی تر سر

و مطمئن تری در حمایت بی مهابا از بازنگاره ترین منافع سرمایه داران بزرگ و فئودالها و خا آنها هستند، نخست وزیران شده اند. دسته دیگر نیز با تاکید بر خدمات شا بیان موسوی سرمایه داران غارتگر رژیم ولایت فقیه و زبردستی همسایگان، اوقات او برای مردم فریبی، و همچنین بدلیل تعلق موسوی به دسته بندی خاص خودشان از انتقابت مجددی دفاع می کردند. خامنه ای رییس جمهور نتوانست سازش لازم را بنیاده آورد و در نتیجه وی عده ای از مجلسیان برای کسب تکلیف دست به دامن خمینی شدند. خمینی نیز صلاح را در آن شخص داد که با تضمین بندی موسوی به کلان سرمایه داران از آن فئودالها و برای جلوگیری از تشدید بیسی از پیش درگیریهای را ابقا کند. اوطی بیامی به مجلس بطور مزاحم و قاطع به سود موسوی نظر داد. اما علیرغم تلاش و احتیاط فرما ن خمینی، و علیرغم عامه گر و گذاشتن منتظران و دیگران، در آنگذری ۲۲ تن از نمایندگان رای مخالف ۲۶۰ تسان رای سفید دادند. بدین ترتیب ۹۹ نماینده به فرمان خمینی آنها را پاسخ رد دادند و در حرکت "ولی فقیه" را زیر پا گذاشتند. این رویداد به نوبه خود رویدادی جدید و بسیار قابل توجه بود. دلیل کتمان تا بدینرسی تصفیه قدرت خمینی در حکومت است. این رویداد در محافل حکومتی و در میان پیروان ولایت فقیه تاثير شدیدی و متشنج کننده ای بجای گذاشت. در قم طلاب طیف گسترده ای علیه نمایندگان خامنه ای نظرات دادند.

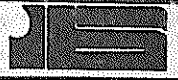
خمینی، در تاریخ ۲۴ مهرماه بهنگام دیدار با رفسنجانی و نمایندگان مجلس کوشید این رویداد را عادی و نمودار و ضروری را که بروی او رفته و پوشش دهد، اما نتوانست بطور کامل خود را کنترل کند و با دیگر سرپیچی کشندگان از فرمان او تهدید کرد. خمینی بازم با تاکید بر "مسلم اسلام" و در نظر داشتن اعتراض و بنبر د و به رشد خلق همسایه جناح های ارتجاع را به اتحاد دعوت کرد.

عظیم ترین بحران رژیم جمهوری اسلامی کسه زمینه ساز نابودی آن است، همانا نفرت فزاینده خلق از این رژیم است.

مردم کشور ما، کارگران، دهقانان، کارمندان سربازان، دانشجوین و دانشجویان، جوانان، پیشه واران و دیگر زحمتکشان، با رنج و بحران اقتصادی وستم اجتماعی را هر روز در دنیا کتر بدوش کشوند می کنند. آگاهی مردم نسبت به فدا دههای رژیم ارتجاع، بر سرتخریب دردناک روزمره فردی و جمعی آنها فزاینده می یابد و به موازات آن اعتراض و مبارزه مردم علیه جنگ رژیم گسترده تر می شود. جنگ، خفقان، سرکوب، بحران اقتصادی گسترش یافته و جوار دلسترخ مردم، توسط سرمایه داران از اوصفت، جزایا تهدید تدریس مردم علیه این عوامل و علیه کلیت رژیم با هم می یابد. اما مبارزه توده های به شکل ساده و یک خطی گسترش نمی یابد. روند عمومی مبارزه مردم، روندی است شتاب گیر و رو به گسترش کسه بیشترین تمرکز آن روی جنگ و سمت اصلی آن علیه رژیم است. این روند اکنون به مرحله ای رسیده که با تقویت می توان گفت اکثریت مطلق مردم در آرزوی نابودی رژیم خمینی هستند و هر روز شمار بیشتر از آنها خواه خود را عیان می سازند.

در ابتدا این روند عمومی و عینی، اقتسنت و خیزهای گوناگون نیز وجود دارد. تحت تاثیر برخی رویدادها ممکن است موج اعتراضات یکباره و بسا سرعت غیر قابل پیش بینی بالا گیرد، چنین چیزی ممکن است که دوام و با بردوام و با املا غیر قابل برگشت باشد. جنبش چندگانه، تحت تاثیر حملات نظامی سال گذشته به عراق و قتل عام های ناشی از آن سرعت زیادی پیدا کرد. در جریان بمباران شهرها طی چند ماه گذشته اعتراض مردم به ادامه جنگ یکباره اوج بی باقی یافته است و همزمان رژیم خمینی و رژیم عراق آماج خصم و نفرت بیگران مردم قرار گرفتند. در سایر کشورهای مردم با نظرات و اشکال دیگر، اعتراضات علیه جنگ رژیم و افزایش دادند. اکنون به انتقال جنبه های نبرد به خلیج فارس و در نتیجه تاثير این نبرد به شدت بحران اقتصادی و وخامت اوضاع اجتماعی باز هم شرایط برای خیزشهای تازه تری می تواند فراهم شود.

ما باید هم روند تشدید و تکوین تدریجی طبیعی بحران اجتماعی را به پیشیم، با همگان بسرور بحرانهای خاص سرخ را با پیگیری و رویا رویی با هر دو حالت کاملاً آماده باشیم. برتری کار ما این خواهد بود که بتوانیم مکانات مان را بطوری سازمان بدیم که در هر دو حالت، از هر دو حالت برای بسج خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بهره مند شویم. برتری ما این خواهد بود که توده های مردم در راستای گسترش نبرد علیه سرمایه داران و رژیم برنده، پیشا هنگ واقعی خود یعنی کوششها را پیشا پیش خود دنیا بند و سرا تمام از میان همه و بر بنگها، هر چه سرخ انقلاب خود را بیا فرازند.



اعتراض جهانی به اعدام فدائیان اسپر

انتشار خبر تدارک اعدام رهبران اسپر سازمان ما خشم و انزجار گسترده‌ای را نسبت به ددمنشی‌های رژیم پهلوی بر سطح جهان برانگیخت. احزاب، سازمانها، انجمن‌ها و شخصیت‌های مترقی و دمکرات برای زنجیر زدن به دستمان خون چکان خمینی اقدامات گسترده‌ای را سازمان داده‌اند. آنها با انتشار نامه‌ها، اطلاعیه‌های مطبوعاتی و... اعتراض و تکراری خویش را نسبت به صدور این احکام اعدام ابراز داشته‌اند. در زیرتعدادی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

رفیق کس‌ها! دبیرکل حزب کمونیست آمریکا برای مقابله با توطئه اعدام فدائیان اسپر نامه‌ای برای دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال داشت. در این نامه در مورد رفتار آنتونیروان لطفی و رضی الدین تابان از جمله آمده است:

"بنام انسانیت، از شما می‌خواهیم که به این احکام اعتراض کنید و بر تلافی‌های خود بیفزایید تا این احکام لغو شده و این مبارزین آزاد شوند. حزب کمونیست یونان تکراری خویش در مورد خطر اعدام رهبران اسپر سازمان را در ارگان مرکزی خود ابراز داشته. ریوزس پاستیس ارگان حزب کمونیست یونان رفیق تابان را به عنوان "سمبل مقاومت در مقابل شکنجه‌های جسمی و روحی" ستود. حزب کمونیست آلمان در نشریه "عصر مسا" اعلام خطر کرد: "جان چند تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که برخی از آنها چهار سال پیش دستگیر شده‌اند در خطر است."

از سوی رفیق ایگناسیو گایکو دبیر اول حزب کمونیست اسپانیا (تلفنگرامی به شرح زیر برای سفارت جمهوری اسلامی در مادرید ارسال شد: "از طرف خود و حزب کمونیست اسپانیا) ما یلیم شدیدترین اعتراض خود را به خاطر سر محکومیت ۴ تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اطلاع شما و دولتتان برسانم."

همچنین از سوی دبیر روابط بین‌المللی سندیکا‌های کارگری اسپانیا نیز یک نامه اعتراضی در این زمینه انتشار یافت.

از طرف حزب کمونیستهای چپ سوئد و حزب کمونیست کارگری سوئد و ۱۱ سازمان سیاسی دیگر و همچنین ۷۰۰ نفر از شخصیت‌های انقلابی سوئد متنی خطاب به سفارت جمهوری اسلامی در آرزو تکراری نسبت به سرکوت فدائیان اسپر انتشار یافت. اتحادیه صفا شیطانی آلمان رادارل حزب کارمندان روسیه اتحادیه‌های کارگری هندوستان حزب سوسیالیست متحد برلین چند صد حزب سازمان، اتحادیه و جمعیت پیشرو و دمکرات دیگر و همچنین شخصیت‌های برجسته انقلابی همبستگی خود را با فدائیان اسپر در همسر اعدام ابراز داشته و بفرموده این احکام را خواستار شدند.

جمهوری ضدبشر عقبه از صفحه اول محاکمه نشده‌اند. عده‌ای زرنده‌ان یا وجودی‌ان یا فتن دوران محکومیتشان در زندان نگه داشته شده اند و خوشبختانه آنها از سر اقدامات تلافی‌جویانه رژیم مأمور رانها می‌کنند. کسانیه هم بوده‌اند که با وجود دادن پول آزادی آنها بعد از درس‌گورشان را به‌خاک نوازه‌هایشان داده‌اند.

افزودن رژیم جمهوری اسلامی قانون جنگل حکمفرماست و جان و مال و ناموس مردم از تجاوز مزدوران رژیم ممنون نیست. در جمهوری آسروباخانه اسلامی اعدام‌های مخفیانه و دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، حتی اعدام زنان حامله و نوجوانان بصورت امری عادی درآمده است. جانان رژیم هروقت که دلشان بخواهد به سراغ افرادی که مورد سوءظن قرار گرفته‌اند، می‌روند و او را می‌بایند و چنانچه به فرموده نظردستری نداشته باشند، اعضای خانواده او را به گروگان می‌گیرند.

زندانیان از شکنجه‌های وحشیانه روحی و جسمی که به یک سیستم تبدیل شده بطور مداوم در رنجند جمهوری اسلامی صدها تن هاجل فقط برای این شبهکاری اختلاس یافته‌اند. بخش عظیمی از یونان کمونیست سرکوب شده‌ها و سازمانهای انقلابی می‌شود.

اعمال رژیم قرون وسطایی سبب شده که جامع بین‌المللی آسروباخانه‌ها هتای حاکمیت علیه حقوق بشر مستعد آسروباخانه‌ها رژیم‌های خونخوار شلم، آفریقای جنوبی، و... قرار دهند.

امروز در نظر مردم ایران و جهان، رژیم جمهوری اسلامی مظهرها رژیم است که روحانیون مرتجع برای تشریف‌اندن مردم آسروباخانه می‌کنند. مردم ایران این دوزخ و باستان آسروباخانه نمی‌کنند. مردم این دوزخ را بر سر دوزخیان حاکم و پسران می‌کنند و بر سر گور آنها کشور خود را آسروباخانه ساخت.

زده‌اند. این تلاشها نیز حاصلی جز شکست نخواهد شد نماید. به اعدام گروهی اسیران در بنددست داشت. آنها هرچه بیشتر خون بپریزند، سرکوت شوم تری را برای خود رقم می‌زنند.

مردم زرنده ایران! راه جلوگیری از این جنایات گسترش بازم بیشتر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی است. فریاد خود را علیه تنه‌کاریهای هولناک این رژیم ددمنش‌رسانتر سازید! علیه بیگدر و بازداشت و شکنجه و کشتار و انقلابیون و میهن پرستان بسا خیزید! ایما داشته باشید که مبارزه متحد ما می‌تواند عمر این رژیم شهکار را کوتاه‌تر کند و پرچم پیروزی و رهایی را بر سر بام میهنستان برافراشته سازد.

رفقا و هموزمان! فدائیان خلق اندوه مرگ رضی را به کمیته علیه رژیم بدل کرده. و سرشار از عشق به خلق و کین به دشمن مردم بار دیگر بیمان خود را تجدید می‌کنند که همچون جزئی‌ها، حمید اشرف‌ها، تابان‌ها و همه شهیدهای پرافتخار فدائیان خلق آخرین نفس‌ها را در راه آزادی و استقلال میهن، به پیروزی و سعادت مردم و آزادیهای والا طبقه کارگر با ناستند.

گرامی باد خاطره رفیق شهید رضی الدین تابان! رساتریاد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختلاس علیه شکنجه و اعدام ابراز می‌کنیم. پیروزیاد مبارزه خلق در راه سرکونی رژیم جمهوری اسلامی ایران.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مهر ۱۳۶۴

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان زندانیان سیاسی رفیق رضی به اسطوره مقاومت مشهور شد.

زندگی رضی خود روشن ترین جلوه سیمای مبارزی است که از میان خلق رنج دیده و سخت‌مست ما برخاسته است. او تجسم راستین مردم محروم ما بود. او سمبل برجسته تنلی بود که در سیه‌ترین سالهای اختناق قاهی با به میدان مبارزه گذاشت و اینک به دست جلادان سفاک جمهوری اسلامی حمله‌ور جان خود در راه آزادی و پیروزی مردم ایران نهاد.

رفیق رضی الدین تابان دومین عضو رهبری سازمان است که در یکساله اخیر قربانی استیقامت محوی سردمداران رژیم می‌شود. سسال گذشته آنها رفیق قربانی مودنی پور را شهید کردند. رژیم جمهوری اسلامی، تابان از نابودی رهبری سازمان به استیقامت محوی از گادرها و مسئولین اسپر سازمان ما دست زده است.

اکشون جان بسیاری دیگر از بهترینین فرزندان خلق که در زندانهای رژیم اسپر در خطر است. از جمله آنها انقلابی سابقه در سرشناس، رفیق آنتونیروان لطفی عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌باشد که بیش از دو سال است تحت شکنجه‌های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی در زندان بسر می‌برد.

رژیم خمینی با اعدام رفیق رضی جنایت هولناک تازه‌ای را مرتکب شده است. آن‌ان که به رغم ددمنشی‌ها، پیگردها، بازداشت و شکنجه و کشتارها نتوانستند راه بالندگی جنبش انقلابی خلق و گسترش روزافزون حرکات اعتراضی مردم را

فدائیان خلق ایران (اکثریت) عضوید. در بنددست خود ۶۱ کمیته مرکزی به پاس شایستگی و خدمات جانفشانه‌هایش در راه مردم به عضویت متاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزیده شد.

اما رفیق رضی در افسانده سال مع توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شد. او همان آسرا زرفیقا شهید شکنجه‌گر قرار گرفت. مزدوران رژیم از نفس‌های او در زمان مطلع بودند و اطلاعاتش را می‌خواستند. رضی به شیوه همیشگی لب فرو بست. مدتی بعد پورش وحشیانه و سراسری رژیم خمینی به حزب تبعیدی ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آغاز شد. رژیم همه تنییس‌سروی جنینی اش را برای نابودی فدائیان خلق بکنار انداخت. اسرای سازمان را با ردیگر به شکنجه‌گاه‌ها کشتند. می‌خواستند روحیه‌ها را درهم شکنند. فدائیان خلق را بی اعتبار سازند و قدر قدرتی خود را به نمایش بگذارند. فدایی خلق سرسخت بود و تسلیم ناپذیرتر از چند زرخیمان می‌پنداشتند. رضی در بنددست جلادان تنها نبود. ایما نخل‌ناپذیر به مردم، خشم و نفرت از رژیم جنایتکار فدائیان خلق و حمله به شکوه رژیم فدائیان خلق که از دیوارهای بلند زندان می‌گذشت و بر جاش می‌نشست به او کمک کرد تا اسوار رسیان. بیگدرش فریاده شده خون نشست. اما شکنجه و تلافی بر عتقا دیوالدینش کارگر نشد. داستان مقاومت قهرمانانه رضی از بدرون اتاقهای شکنجه گذشت. در بنددست و سلولهای چندین و از آنجا به بیرون فرزد. رضی به سبب مبارزه و مقاومت و الهام بخش زرنده‌ان در زندان و بیرون از زندان بدل شد.

رژیم که در برابر اراده رفیق رضی عاجز شده بود، جنایتکارانه او را در برابر جوجه‌ها استخدام قرار داد. در آن صحنه‌هایی که رضی در برابر جوجه اعدام ایستاد، قطعه زمینی مزدور خود فروخته هم کس‌ها در این جنایت وحشیانه نبود. اما می‌توان آخرین بیما میا و آخرین فریادهای فدایی خلق رفیق رضی الدین تابان را شنید که دل‌سپاهی را می‌شکافت. مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم زنده باد خلق! درود بر فدائیان خلق، زنده بساد کمیونیسم!

گلوله‌های پایداران رژیم خمینی سینه فرزند فهومان خلق را شکافت. صداخوش‌گوش‌ساز و دیگری اوج گرفته و در گنار و زده‌ها ستاره سرخ تارک تار می‌فدائیان خلق نشست. رضی به بیمان خویش با مردم و نادرمانند.

جنایتکاران از اعتراف به جنایات خویش هراس دارند. رژیم جلدخمینی گوشه‌ای رفیق رضی را در پسر برده نگاه دارد اما خبر رانی توان بیمان ساخت. اینک همه مردم از آن اطلاع یافته‌اند و با خشم و نفرت این جنایت را محکوم می‌کنند.

مشتنای فدائیان خلق کرده ترمی می‌شود. مفود فترده ترمی می‌شود. گامها استوار ترمی می‌شود. بازاری شکنج ما را ندارد. ما گردان پیشکشاز کارگرانیم ما فریاد ددمن محرومانیم. ما بسا رژیم ما می‌مانیم. ما می‌رزم. پیش می‌رویم و دیربسا زود پرچم سرخ پیروزی را بر آوار کاج ارتجاع بر می‌افرازم.

به یاد رفیق شهید رضی الدین تابان فرزند قهرمان مردم

رضی فرزند مردم بود. زندگی کوتاهش را شما وقت مبارزه برای پیروزی و سعادت مردم ایران کرد. از زمان دوران مدرسه روزمانی که خود را شناخت، از همان زمان که با محرومیت و فقر و تنگدستی مردم زحمتکش میهن وظلم و ستم و تلافی و شکنجه رژیم فاشد، برای ابدی با شخصیت نظام طالمانه طبقاتی، آشنا شد. بیمان بست که تازمانی که زندگی چنین است، تازمانی که اقلیتی معدوم به پای خون و میراث اکثریت زحمتکش میهن زندگی فادوانگل و ار خود را ادامه می‌دهند از پای نشینند. رضی همیشه به این بیمان وقادار ماند و زندگی خویش را در راه مردم نهاد.

رفیق رضی سال ۴۹- وارد دانشکده فنی تهران شد و بسیار زود به جبهه بر حمت جنبش دانشجویی بدل گشت. تنها چند ماه بعد رژیم او را به جرم شرکت در سازماندهی تظاهرات دانشجویی بازداشت کرد. یک سال در زندان ماند و در برابر شکنجه و بازجویی ساواک دم بر نیت.

محبط زندان و زندگی در گنار انقلابیون پرتجربیه رضی را آبدیده ساخت. پس از آزادی، او در هادیت مبارزات دانشجویی نقش برجسته‌ای بر عهده گرفت. می با ردیگر و دهه ۵۵ دستگیر شد. یک سال تمام زیر بازجویی بود. ساواک، بدستال ردیای فدائیان خلق او را وحشیانه شکنجه کرد. اما رضی کلمه‌ای نگفت. روزی در زندان به یکی از ربا‌های مقاومت و مبارزه بدل گردید. بدلیل سوابق مبارزاتی ایستادگی انقلابی از مسئولان فدایی خلق استواران زندان شد. در مرداد ۵۶ دوران محکومیتش به پایان رسید. اما به جرم ایستادگی بر اعتقادات، وی را آزاد نکردند. در سال ۵۵ باز دیگر به اتهام فعالیت در زندان، محاکمه و به ۴ سال دیگر زندان محکوم شد. رضی در زندان همانگونه بود که در بیرون بود. فعال، شگفتی ناپذیر، شور، مؤریان با لبخندی صمیمی بر لب.

وقتی به نیروی قهرمانی و فداکاری خلق در هادای زندانهای شاه گشوده شد، رضی نیز در میان آزادگان بود. آزادی آزادی به دردیست بفرخوش مردم پیوست. خانه و به مرکز فعالیت علمی فدائیان خلق بدل شد. در سازماندهی تظاهرات ۲۱ بهمن سازمان که نقش عظیمی در پیروزی انقلاب بازی کرد، فعالانه شرکت نمود. آن دوروز فراوانش نشانی قیام، رضی دیگر میهار شدنی نبود. برای سرد پیروزی سازماندهی نمی ساخت. با دگسان عضویت آزادی، مرکز را دیو و تلویزیون، هر جا که خلق دزهای دیکتاتوری را فرومی ریخت، رضی در سربخا فریاد پس از انقلاب، نقش حاس سازماندهی توده‌های عظیم جوانانی را که به سوی آزادی می‌روند، بر عهده گرفت. مسئولیت سازمان دانشجویان پیشگام بر عهده او گذاشته شد. در تشکیل سازمان جوانان فدایی خلق (اکثریت) نقش برجسته‌ای ایفا کرد. دبیر کمیته مرکزی و مسئول کمیته ایالتی تهران سازمان جوانان فدایی بود. در هات اجرا به کمیته ایالتی تهران سازمان

منتظری فقیه مرتجع و "امیدام و امت" نقش ویژه‌ای در جمهوری ارتجاع برعهده دارد. او دخالی که در تمام جنبات رژیم علیه مردم ایران شریک و سبیم است ضمن دفاع از قدسین مالکیت طبقات استثمارگر و توجیه سرشی آن، تلاش می‌کند پیش و پس خود را در جنبات رژیم جمهوری اسلامی بی‌پوشا کند تا از پس عوام مغربین در موقع مقتضی به سود جمهوری اسلامی بهره برداری کند. از اینرو او ضمن سرپوش گذاشتن بر سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی و شبهکاریهای سران آن نگاهه سخنانی ایراد می‌کند و از دلخواه خود آن می‌خواهد که "قدر مردم" را بداند، بیست و نه "دهشایان و محرومین" کمک کنند، به "وضعیت زندانها" رسیدگی کنند، به "مطبوعات آزادی" بدهند و لاجم، او با این سخنان می‌خواهد خود را می‌زحمتکند و طغیان را از یاد می‌داند، اما مواضع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی "امیدام و امت" اهداف واقعی وی را بر ملا ساخته و آن سستجوی چهره اش را بخوبی عیان می‌سازد.

جدید پیش، منتظری در دیدار با موسوی نخست وزیر گفت: "دولت باید ایدمل را بر آزادی افسرد و ستم‌خواران مرتولیدات صنعتی، تجاری و کشاورزی و گسترش چرخ اقتصاد میلگت بگذارد". سخنان وی بدین معنی است که او بدافع نظام منظر پوپستی - سرمایه داری بوده و خواهان بی‌بند تسلط کلاسان سرمایه داران و بیزرگ مالکان در تمام عرصه‌های اقتصادی کشور است و تا منافع آنها را از وظایف اصلی دولت می‌داند و معتقد است که دولت باید دست این غارتگران را برای استثمار کارگران و زحمتکشان و غارت منابع طبیعی کشور ممان بیش از پیش باز بگذارد.

موضع منتظری در خصوص اختلافاتی که بر سر میزان فعالیت بخش خصوصی و بخش دولتی در میان سردمداران رژیم وجود داشت، دفاع آشکار از گسترش فعالیت بخش خصوصی بود. منتظری موقع تصویب قانون اساسی با پیشنهاد اصل ۴۲ که بر اساس آن، کلیه منابع بزرگ و ما در زمین بزرگ و فعالیت‌های بزرگ کشاورزی و دامداری، تجارت خارجی، بانکداری، بیمه و... در دست دولت متمرکز می‌شد، مخالفت کرده و گفت: "دولت در شترت در تمام امور کشت و رزی و دامداری را ممکن است قبضه کند، در نتیجه آن، بخش خصوصی و تعاونی از بین می‌رود، خلاصه تبدیل به یک سوسالیست می‌شود". (مباحثات "خبرگان" پیرامون اصل ۴۲ قانون اساسی اطلاعات ۵ شهریورماه ۶۲)

منتظری ظاهراً پیش از همه سنگ دهقانان را به سینه می‌زند و چنین وانمود می‌کند که طرفدار اصلاحاتی به نفع آنان است. اما او بعضی اینکسها از کلی گویی به شخص می‌رسد تا جایی که او در بیان نیز بنیات واقعی خود را بر ملا می‌سازد. وی در دیدار با قاضی شریعتی و هیاتهای هفت نفره در آبان ماه

سال گذشته گفت: "کنجته دیگری که باید به آنها بها ن توجه کنند، این است که امروزه با توجه به مگایز شدن کشاورزی در دنیا، دیگران در چند جریب زمین به یکی صرف می‌کنند، بلکه با بستن بر حسب قدرت و توانایی افراد صاحب شکر و گاو می‌توانند با دارنده‌ها ندراره که می‌توانند از زمینها موات به آنها داده شود تا احیاء کنند". البته اعتقاد منتظری از این موات نیز بیاید که استی و اگسذار شود که "توانایی" دارند. معلوم است که دهقانان بی زمین و کم زمین آهی در بساط ندارند و بنا بر این این آگاهی توانند گمان "منظر نظر منتظری" باشند. این فتوایها و سرما به داران هستند که سکه از کلیه امکانات لازم برخوردارند. از اینرو لطف "امیدام و امت" در اینجا نیز ظاهر می‌شود.

منتظری عوام مغربین خود را به عرصه آزادی مطبوعات نیز کشا نده است. وی در دیدار با مسئولین روزنامه‌های حکومتی ضمن اطمینان آنها گفت که چرا روزنامه‌ها همان خط دولت، خط پریش جمهوری، خط حکومت را تصدیق می‌کنند. "افزود. اگر کسی چیز خوبی می‌نویسد ولو اینکه دولت هم با این مخالف است، اما همین اندازه که این معتقد به جمهوری اسلامی است و

فریبکاریهای منتظری

مقاله اش هم مفید است، این جور مقالات باید آزاد با شاد چاپ بکنند". (اطلاعات ۲۳ شهریورماه ۶۲) هدف واقعی منتظری از طرح اینگونه انتقادات صرفاً تلافی آزادی اظهار نظر برای جناح‌های خاکمیت است. او به شدت از با لگرفتن اختلافات درون حکومت و از سر نویت جمهوری اسلامی گریان است. او بارها نگرانی خود را از پیروان اختلافات در میان جناح‌های حکومتی ایراد کرده و گفته است که "تکوییده که آزادی حزبی است و باید حزب است و آن دیگری سبخت آزادی... این خط باید زیه‌ها را بریزد دور. من مطمئنم اگر این خط کشی‌ها را ادامه دهیم، همگی سقوط خواهیم کرد".

به همین خاطر است که او فریاد می‌زند که "معتقد به جمهوری اسلامی" هستند، بقا لاشان را چاپ بکنند. وی همچنین دریافته است که رژیم روزنامه‌ها را به با بارگانه‌های مطبوعات رژیم می‌داند و بدین لحاظ کوچکترین اعتقاد او اعتنایی به آنها ندارد و همین خاطر است که خطابه مطبوعات می‌گوید کاری نگذارد و حق از این مطبوعات بشود. او که روند مبارزات توده‌ها را علیه رژیم جنا پتکار در حال گسترش می‌بیند و از سوی هر چه بیشتر خاکمیت جمهوری اسلامی سردمداران مرتجع

آن را با پوست و گوشت دولتمرد می‌کشد، کسی گوشت به نظری استخوان ندارد. راه روزنامه‌ها، بیستی به حرف‌های حکومت جلب کند و از این طریق بیستی عوام مغربین بهره‌آورد.

اما آنچه که به آزادی مطبوعات متعرق و انقلابی مربوط است، منتظری ما زندگان بر سرمداران مرتجع رژیم در قلع و قمع آنها شریک و سهیم است. همچنین وی بخوبی می‌داند که در سیاستهای رژیم - رژیم چه می‌گذرد و هر روزدهها تن از بهترین فرزندان انقلابی میهن ما یا به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند و یا در زیر شکنجه‌های وحشیانه در زندانها می‌زیم، جان می‌سپارند، بدون اینکه حتی خبری کوتاه در این مورد از رسانه‌های گروهی رژیم منعکس شود. او بخوبی می‌داند که از گناهشهای سرکوبگر رژیم اعتراضات کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان را با سرکوب خونین، زندان، شکنجه و اعدام و اخراج دسته جمعی از کارکنان سرکوب می‌دهد. منتظری همه این جنایات را بسوی سرپا نگذاشتن رژیم خود آشام جمهوری اسلامی ضروری و شرعی می‌داند.

وی همچنین زندان نیانی را که از آمران و شرف انقلابیان دفاع می‌کنند، و به همین خاطر قربانی ددمنشی‌های دژخیمان رژیم می‌شوند، افسرد می‌داند که "قابلیت اصلاح و صلح بعد از زندان داده اند... برای جزجراحی اجتماع می‌دهند و آنان را اجتماع نیست". (اطلاعات ۲۶ آبان ماه ۶۲) او ما زندگان بیرقیای مرتجع معتقد است که روزنامه‌ها مطابق با بیستی در اینگونه موارد ندهند تنها کلمه‌های نگویند، بلکه با نوشتن اراجیفی این همه جنایات وحشیانه را توجیه کنند. آنچه که به اینکس خواهسته‌ای توده مردم در این روزنامه‌ها بر می‌گردد، منتظری خواهان آن است که برخی اعتراضات حزبی توده‌ها علیه برجسی مقامات منعکس شود تا این سیستم سیاسی از زیر ضرب خارج شود. اگر کسی بخواد همسوی ترین خواست مردم را که همان برقراری فوری صلح و قطع جنگ می‌باشد، منعکس کند، منتظری از اولیسن فقیهای خود هدیه کند که به قطع دست و مصلحه کردن نویسنده آن، خواهد داد.

خلاصه کار، حسینعلی منتظری بزرگترین مدافع جلدچراغ و از بزرگترین شریک ایشان است. منتظری علیرغم سادگی‌های روستایی اش سرمایه داری را خوب می‌داند و سادسوارانها را دفاع از آنرا تنیک تشخیص می‌دهد. هدف فریبکاریهای وی این است که چهره واقعی خود را خوب نشانی و بیپوشا کند و در بین مردم نسبت به خود را مام و روزیش توهیم پدید آورد و آنها را سرگردان و از راه مبارزه منحرف سازد. اما مردمی که "امام امت" می‌نشانند هزار رنگ را با زشتا خشنده، به ما پولیعه‌ها و گرفتار نمی‌آیند.

باز نشتگی و دیگر احتیاجات اجتماعی نه فقط تضمین شده اند، بلکه با گسترش یافتن و تکمیل می‌شوند. تحصیل رایگان و امکانات نامحدود برای کسب تخصص و تکمیل آن و برای پرورش استعدادها و هنری و دسترس و وسیع توده‌ها به ارزشهای فرهنگی تا مین شده است. همه اینها بیبا نگر و اهمیت برتری سوسیالیسم است، جامعه‌ای که بدست زحمتکشان ساخته شده و زندگی آزادان دامنای بهتر و مرفه‌تر و به لحاظ معنوی غنی‌تر می‌شود، در جامعه سوسیالیستی شوروی نخستین گام تاریخی را چنان به طرف برابری کامل اجتماعی برداشته شده است، تبعیض بر اساس طبقه و ملیت و نژاد و جنسیت از میان رفته است. حزب کمونیست اتحاد شوروی بر مبنای اصل رفاه‌های خود "سه چیز بنام انسان، همه چیز برای رفاه انسان" جامعه شوروی را در تحقق این پیروزیها هدا یات کرده و بسوی شکوفایی آنها پی به پیش می‌برد.

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اکسیر، شرکت وسیع ترین اقشار مردم در اداره امور کشور است. شکل شورایی حکومت که تجربه استیسن انقلاب پدید آمد، بهترین شرایط را برای شرکت مستقیم توده‌ها در اداره امور کشور فراهم آورد. راه او در نظام انقلاب اکسیر برای بشریت صلح و دوستی است. سوسیالیسم بنا به ماهیت خود صلح دوست است. مردم شوروی نشان دادند که قادرند دنیا بت با برترین تهاجم دشمنان سوسیالیسم را پیروز نمایند تا از سر گذارند و هسان حفظ صلح مردم جهان را باشند. اینک کشورها سوسیالیستی و پیروزه اتحاد شوروی دژ مستحکم دنیا را صلح جهان می‌سازند و بشری با سی در دنیا به با سیاستهای جنگ افروزانه و تجار و کارانه امپریالیسم برعهده دارند.

۶۸ سال پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکسیر، سیستم جهانی سوسیالیستی، بیبا پیش همه مردم جهان صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم را برافراشته و تاریخ را به بسوی پیروزی نهایی رنجبران شوروی می‌کشد.

انقلاب سوسیالیستی اکسیر، بقیه از صفحه اول دارنده نظام طبقاتی را پدیدده‌ای از بیستی و اسدی جلوه دهند، عملا و روشنی بسیار نشان داد. در برتو انقلاب اکسیر، اندیشه‌های علمی و انقلابی ما را کمیسر - لنینیم به سرعت در برابر جهان نفوذ یافت. و تا شیری عمیقی در بسیداری خلقها و گسترش مبارزات آنان ایفا نمود. انقلاب اکسیر را پیروزی انقلاب راه شامی خلقه‌ها نشان داد. انقلاب اکسیر اثبات کرد که تنها اتحاد کارگران و دهقانان با رهبری شکیه کارگر، و تنها برقراری دیکتاتوری پرولتاریا می‌تواند بسوی بهره‌کشی و بر دگی را بر دارنده‌های پیروزی انقلاب سوسیالیستی بیبا نهد. پیروزی اکسیر را سست تاریخی حزب کمونیست در رهبری انقلاب و تحقق آرمانهای شکه‌مین کارگران و زحمتکشان به اثبات رسانید.

تحولاتی که بعد از پیروزی انقلاب اکسیر روی داد، سیمای جهان را دگرگون ساخت. رخدیدی سابقه مبارزات توده‌های مردم علیه استثمار و استثمار گسترش و شکوفایی سوسیالیسم و ترسیس زوال و نابودی امپریالیسم آنتا نیشات عظیم و دور انشا از اکسیر در روند تحولات جهانی است. انقلاب اکسیر پیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم و پیروزیهای جنبش‌های راهی بشری را در تاریخ کرد و یک نگاه نبرد در راه نابودی سیستم مستعمراتی شد. اگر در آستانه انقلاب اکسیر ۶۶٪ جمعیت جهان به اشکال مختلف در بسیدار ستمگران قرار داشت، این نسبت اکنون به حد مرفر رسیده است.

انقلاب اکسیر بر مبارزات انقلابی در میهن ما تا شیری عظیم بجای گذاشت. حمایت بی دریغ اتحاد شوروی از استقلال و آزادی و شکوفایی میهن ما، نقش سترگ در جنبش انقلابی ایران داشت. همواره به پشتوانه نیرومندی برای مبارزات طبقه کارگر و همه مردم ایران بوده است. دستاوردهای عظیم مردم اتحاد شوروی نخست رهبری حزب کمونیست آن کشور، همچنان الهام بخش همه رنجبران جهان در برجسته ترین جلوسه

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

فعالیت انقلابی در نیروهای مسلح

برخورد با مسأله نیروهای مسلح، تعیین سرشت و عملکرد آنها و چگونگی فعالیت انقلابی در درون سازمانهای نظامی برای ما از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. مارکسیسم - لنینیسم بر پایه تحلیل علمی، منشاء و سرشت اجتماعی نیروهای مسلح را در نظامهای مختلف معین کرده و خصیصه طبقاتی آنها را مشخص ساخته است. مارکس، انگلس، ولنتین به تحلیل همه جانبه در این زمینه دست زده و آموزشهای پرارزشی پیرامون ماهیت نیرویهای مسلح، علم نظامی، اصول و شیوههای تشکیل سازمان نظامی، پرولتاریا را به ما داده اند. بر طبق این آموزشها، نیروهای مسلح در جوامع طبقاتی همواره وظیفه به انقیاد کشیدن زحمتکشان را بر عهده دارند، به علاوه نیروهای مسلح در خدمت حفظ قلمرو کشور و نظارت بر اقلیتها، خارجی، به انقیاد در آوردن خلقها، و غارت کشورهای دیگر است. اعمال قهر سازمان یافته علیه توده های زحمتکشان مشخصه اصلی و بارز ارگانهای مسلح طبقات حاکم است. هدف از اعمال قهر، تأمین حاکمیت استعمارگران و منافع اقتصادی آنهاست. انگلس می نویسد: "... اعمال زور تنها وسیله است، و برعکس هدف همانا سوداقتصادی می باشد." طبقات بهره کشی می کنند، ماهیت ارگانهای مسلح را پدید می آورند. آنها نیروهای مسلح را پدید می آورند. "فوق طبقات" قلمداد کرده و این ارگانهای مسلح را بر مبنای نیرویی مغربی می کنند که گویا فقط منافع همه طبقات از جمله توده های زحمتکشان است. در جوامع طبقاتی سرمد ضرورتا علیه طبقات حاکم و به منظور ایجاد درگونی اجتماعی به سرودن و پیگیری می کنند. اما طبقات حاکم هرگز بخودی خود قادر نمی شوند که قدرت سیاسی را از دست بدهند. به طبقه های استعمار کننده، بسیار رند برعکس آنها هم نیروی مسلح را بعنوان ابزار زور جهت اعمال فشار و قهر بر طبقه کارگر توده های زحمتکشان تجهیز می کنند و همیشه آماده اند تا زور نیروهای مسلح برای سرکوب جنبش انقلابی توده ها و تحکیم قدرت سیاسی خود به شکل بی رحمانه استفاده کنند.

در چنین شرایطی پرولتاریا توده های زحمتکشان و از جانب سازمانهای پیشاهنگ آنها برای مقابله با سرکوب ارگانهای قهر طبقات حاکم، در هم شکستن ماشین نظامی آنها، کسب قدرت سیاسی و محسوط آن، جایز است. از جهت تجهیز ابزار رومانی قهر بیخستگی سازمانهای نظامی و ایجاد و استفاده از سلاح و آموختن دانش و فن نظامی ندارند.

طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ آن هیچ وقت مدافع جنگ نبوده و جنگ را به مثابه شیوه و چشمانه حل مسایل مورد اختلاف بشریت تلقیح می کند. ولی تا زمانی که جامعه به طبقات متخاصم تقسیم شده و استعمار فرود زده وجود دارد، درگیری برای اعمال قهر اجتناب ناپذیر می باشد. کمونیستها همیشه کشت و کشتار را محکوم می کنند، ولی طبقات حاکم در جوامع طبقاتی همواره به سرکوب جنبش انقلابی طبقه کارگر توده های زحمتکشان توسل جسته و برای حفظ قدرت به هر جنایتی دست می یزند. ستان انگلس در این زمینه بسیار آموخته است: "بزرگوارانی به ما نشان دادند که در نظر لانه می توانند از پرولتاریا انتقام بگیرند، آنگاه که طبقه کارگر به مثابه یک طبقه مستقل با منافعی خواسته های خاص خویش جزا را روی بسازد. آن بیابان". (از مقدمه "چنگ داخلی در فرانسه")

تجربه تاریخی انقلابات دهه اخیر نشان می دهد که میریالیسم و دولتها دست نشانده آن برای جلوگیری از پیروزی جنبش های انقلابی و به شکست کشاندن انقلابات پیروزمند در کار است. اعمال قهر به مسلمان توده های خود را می دهند. کافسی است ما به تجارت ۱۵ ساله اخیر کشورها بی نظیر نیلی، ایران، کرمانا، ویتنام، اینویسی، نیکارا، گویته و افغانستان توجه کنیم. این واقعیت، طبقه کارگرو سازمانها را نشان می دهد که باید به گونه ای که نه تنها به مساله قدرت سیاسی و چگونگی به کف آوردن آن، بلکه به بازار رومانیل و سازمانهای که باید برای حصول به این هدف بکار گرفته شوند بسازند.

طبقه کارگر و زحمتکشان کشور ما، از جانب غنی و آموخته های دموکراسی با قهر سازمان یافته نیروهای مسلح برخورد رهنمود می دهد که باید با این تجارت را جمع بندی کرد و قهر را به دست مبارزاتی بکار گرفت. مردم ما در روند انقلاب بهمن وقتی در برابر پرولتاریا مسلحانه رژیم شاه

قرار گرفتند، اندوخته های تجربی خود از امور و فنون جنگی و نظامی را بکار گرفتند. آنها با ایجاد صفوف منظم رزمی و با حرکات هماهنگ در نظر هرات وسیع خیابانی، اعتراضات سیاسی، ایجاد دموکراسی برای عبور و مرور ما بین های نظامی دشمن، جنگ و گریز در خیابانها و کویچه ها، سگر بندگی در مناطق مختلف شهر و باقیام مسلحانه به مبارزات خود جلوه های پرشکوهر بخشیدند و بدینسان منسجم ترین و قدرتمندترین ارتش منظمه را بنا نهادند و در نتیجه، مهذبا این حرکات توده ای فاقد سازمان را سرسری ضروری و بدون فنون و تجهیزات کافی نظامی مجهز نمودند. چرا که نیروی قهر در عصر جدید، شست، چوب دستی و جاق نیست، بلکه یک ارتش و یک سازمان نظامی است که باید سازماندهی شود.

آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم، تجسبات انقلابات و مبارزات تجربی مشخص انقلابات ایران از مشروطیت بدین سوچاکی است که برای کسب قدرت سیاسی و دفاع از انقلاب، درهم شکستن نیروی قهر استعمارگران امری الزامی است. لازمه این امر فعالیت جدی، بیگرو و انقلابی راه آمده کردن طبقه کارگر و توده های زحمتکشان برای درهم شکستن قدرت قهر پرورایی و ایجاد سازمانهای نظامی به شکل و شیوه های مختلف است. ما باید انجام این امر مهم را جزو مهمترین و مهم ترین وظایف خود بشماریم.

بنیان گذاران و سویا لیسم علمی به مساله تسلیح توده ها و آموزش نظامی آنها و فعالیت در میان نیروهای مسلح دشمن اهمیت بسیار می دادند. آنان بطور جدی به مطالعه علم نظامی، متد رزمی، سازماندهی نیروهای رزمی می پرداختند. از هزار تا ده هزار رگی که از لنین بجای مانده چند صد نفر دهم آن تمام باقی باقی به مسایل نظامی اختصاص یافته است. لنین جدی ترین توجه را به تسلیح و ترویج در میان سربازان و افسران و تشکیل سازمانهای نظامی مبدول می داشته. سویا لیسم دموکراتها پیوند انقلابات، کار تبلیغاتی کسند در میان سربازان، کرجه داران و افسران ارتش تزار انجام داده اند. آنها سازمانهای حزبی را در درون ارتش تزار به منظور تخریب و ایجاد و جلب آنها به اردوی انقلاب برپا ساختند. در سال ۱۹۰۵، شش و چهار سال زمان حزبی در میان سربازان فعالیت می کرد. در سال ۱۹۰۶ جهل و شست سازمان نظامی در کمیته های حزبی وجود داشت. در ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ این سازمانها، در حدود ۱۵۰۰ عضو در میان سربازان و افسران داشتند. به گفته لنین در پاییز ۱۹۱۷ تقریباً نیمی از سربازان درجه و بیست و بیست و پنج از بلوکیها پیروی می کردند. در دست پیش از آغاز فعالیت مسلحانه و در پیروگراد، بلوکیها ارتشی از رگراگراگان ملیان و سربازان را در اختیار داشتند. کسب شمارشان حدود سیصد هزار نفر بود. شمار نیروهای دشمن کمی بیش از این مقدار نبود.

تجربه موفق بلوکیها، اهمیت فعالیت در درون ارگانهای مسلح برای جلب پرسنل، تشکیل سازمانهای نظامی و درهم شکستن قدرت قهر سازمان یافته دشمن را بطور بارز نشان می دهد. برای فعالیت تبلیغی، ترویجی و سازمان یافته درون ارگانهای قهر دشمن، برخورد طبقاتی نسبت به نیروهای مسلح دشمن در روند انقلاب و از پایه نشی که هر یک از اقشار گوناگون اجتماعی موجود در ارتش در جریان تحولات انقلابی ایفاء می کنند، اهمیت بسیار دارد.

تجربات انقلابات ما بر خلقها و تجربه انقلاب ایران نشان می دهد که اقشار میمینی از ارتش را می توان به مثابه جزئی از نیروهای مدافع در تحریک انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک به حساب آورد.

در جامعه ما ارتش و سپاه مدافع منافعی سرمایه داران و زمینداران بزرگ بوده و به لحاظ ماهیت و عملکرد، خود را زجای هستند. ولی از جهت ترکیب اجتماعی و طبقاتی از اقشار مختلف تشکیل یافته اند. افراد ارتش و سپاه، عمدتاً از فرزندان دهقانان، کارگران و اقشار رزمیانی جامعه تشکیل شده است. این افراد به لحاظ طبقاتی اجتماعی و بطور عمده با میریالیسم، پرولتاریای بزرگ و زمینداران بزرگ در تضاد هستند. انقلاب ۲۲ بهمن در این زمینه تجارب بسیار آموخته های دارد. دیدیم که چگونه تعداد وسیعی از سربازان درجه داران و افسران تحت تأثیر مبارزات توده ها و سازمانهای انقلابی به صفوف آنها پیوستند. در این میان نقش سربازان و افسران انقلابی در ارتش، به ویژه هم افران انقلابی، در جنبش انقلابی و در دوره ای قیام بسیار آموخته است. در این زمینه قهر باغی مرتجع در کتاب خود بنام "حقایق درباره بحران ایران می نویسد: "عده ای از ازمایان در دستگاههای تهران مشغول ادامه تحصیل غیر نظامی بودند. در نتیجه با عوامل مشکوک در دستگاهها، در مسیورتبلیغات آنها قرار داشتند. اینها موفق شدند با استفاده از نقاط ضعف و زمینه های مساعد رفائی، پرسنل نیروی

هوایی را بر علیه رژیم وارثش بشواریند. در ماههای قبل از انقلاب، تبلیغات گسترده نیروهای انقلابی و دعوت آنان از سوی سازمانها و درجه داران و افسران میهن پرست و انقلابی به مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم، تأثیر بسزایی روی آنها گذاشت و در این باره در یادداشتها و تجزیه نیروهای ارتش نقش کاملاً موثری ایفا نمود. قهر باغی با زهم در کتاب خود می نویسد: "بخش اعلاجه ها و انواعهای گوناگون در سربازخانه که بطور مخفیانه و بیشتوسط افسران، درجه داران و سربازان و طبقه دیپلومه انجام می گرفت... متناسب با طرز تفکر و مسلح فکر هر یک از طبقات پرسنل نیروهای مسلح شاهنشاهی، یکی دیگر از راههای تبلیغاتی مغالطین بود." اعترافات این مرتجع نشان اهمیت و تمربخشی کار در نیروهای مسلح به منظور ایجاد تزلزل و تخریب در آن است.

سازمان ما با توجه به این مسایل در سالهای ۵۸ و ۵۹ به اشتراک تشریح تبلیغی، ترویجی و فعالیت سازمانها در میان پرسنل نیروهای مسلح دست زد و توانست در میان پرسنل نفوذ و اعتبار بدست آورد. در سالهای بعد متناسب در پیشرفت این روند، اختلالی بوجود آمد. بلنوم مهرماه سال ۶۲ بدستی برای اهمیت فعالیت انقلابی در بین نیروهای مسلح با دیگر کارگزاران کرد.

اکتدو، با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و وظیفه های بلنوم در مقابل ما گذاشته است. با بدست آوردن و تمام قوا تلاش کنیم که این تجربه تجارب غنی و خونین را بدستی بکار گیریم. در نظر کنونی آنچه برای ما اهمیت جدی و استراتژیک دارد، فعالیت سنگینی ناپذیر در میان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است. برای انجام این وظیفه انقلابیانه در نیایی کار در پیش رود. ما در شرایطی که در میان نیروهای مسلح تا کید می و رژیم که رهبران جمهوری اسلامی، جامعه را به بحران بسیار عظیمی دچار ساخته اند، نیز در طبقه بندی داده دارد. صف بندی طبقی و روز بروز روستر می شود. بحران اقتصادی، اجتماعات سیاسی، فرهنگی و اخلاقی سرتاسر جامعه را فرا گرفته است. جنبش طبقه کارگر و توده ها در حال تشدید و گسترش است. رژیم در لحظه کنونی نمی تواند بر بحران فائق آید. جنگ به مصیبت بزرگی تبدیل گردیده است. هیچ امیدی برای کاهش بحران و قطع جنگ در چشم انداز نزدیک وجود ندارد. در چنین وضعیتی ارتش و سپاه نیز از این بحران عمیق مصون نمانده و دچار بحران بزرگی شده می شوند. پیوسته مساله جنگ که ارتش و سپاه با آن درگیر هستند، این ارگانها را بیش از هر سازمان و نهاد دیگر جامعه، دچار بحران کرده است.

تشدید بدینی و بی اعتمادی بین رژیم و ارتش، گسترش و تشدید اختلافات درون پرسنل ارتش بطور کلی، تشدید اختلاف میان دایره سیاسی-ایدئولوژیک با اکثریت پرسنل، اختلاف میان افسران جزء و درجه داران با افسران ارشد مدافع ارتجاع، روحیه ترس آلودگی از افسران، رسوخ روحیه یاس و ناامیدی از پیروزی در جنگ در اعناق نیروهای مسلح، مسایل و مشکلات عدیده زندگی مجموعه پرسنل، به ویژه درجه داران و افسران جزء و با بحال شدن حقوق آنها، فشار رژیم از طریق دایره ایدئولوژیک سیاسی به پرسنل و از گوش دادن به موسیقی نیز محروم می سازند، و مهمتر از همه آدامه جنگ خانمانسوز، ارتش ایران را با بحران بزرگی مواجه ساخته است. مجموعه عوامل بر شمرده نشان می دهد که در لحظه کنونی، با توجه به ترکیب و ساخت اجتماعی ارتش، وضعیت بحرانی جامعه و درون ارتش، زمینه برای کار در میان پرسنل نیروهای ارتش از هر زمان دیگر فراهم است.

فدائیان خلق ایران با دیده این مهم، توجه جدی مبدول دارند. کار تبلیغی، ترویجی و سازمانها در میان نیروهای ارتش و در جبهه های جنگ جزو مهمترین و مهم ترین وظیفه ما است. فدائیان خلق با بدین میان پرسنل نیروهای مسلح رژیم به هر طریق که ممکن است چه در درون یا دگانها و مدارس آموزشی، چه در جبهه ها و محیط زندگی آنها بطور گسترده فعالیت کنند.

پرسنل انقلابی و طبقه داران در ارتش، هسته های انقلابی از مهم ترین موارد اعتمادترین همکاران خود یعنی کسانی که طی سالها صاف و همگامی نزدیک مورد اعتماد قرار گرفته اند، تشکیل دهند. این هسته ها با بدین راه با یکدیگر مغلطی کساری تشکیل شوند و همواره سری و مغلطی بهمانند فدائیان خلق وظیفه دارند تا تمام امکانات و نیروها را حداکثر مغلطی کساری و با بدین مغلطی مسا بل و انتیسی به تشکیل این هسته ها باری رسانند. ★★

در برابر رزم‌های سیاسی

سازمان ما در چند سال اخیر موفق شده توطئه‌های رژیم‌خیزی برای نابودی تشکیلات ما را یکی پس از دیگری خنثی کرده و با تطبیق سازمان‌های خود با شرایط جدید و در شرایط یک نبرد گلا تا برابری و دشواری فعالیت انقلابی، خویش را در زمینه‌های مختلف گسترش دهد. در نتیجه این نبرد، رژیم‌مجبور شده است سیاست سکوت در مورد سازمان ما را کنار بگذارد و ضمن اعتراف به نقش فعال سازمان در مبارزات جاری توده‌های مردم، توطئه‌های تازه‌ای را در پیش گیرد.

فدائیان خلق و بیوزره رهبری گروه‌های مخفی سازمان ما به شناخت خود را بطور مستمرا از مبارزه با پلیس سیاسی ارتقاء دهند و برای خنثی کردن درهم شکستن تلاش‌های جدید رژیم، پیش‌ازپیش مجهز گردند. مرکز‌های سیاسی را با تکیه بر نیروی مخفی رژیم در ساواک جدید و تقویت مستمرا این مرکزها با تسلیح و امکانات سازمان‌های جاسوسی غرب، امکان‌های تازه‌ای در اختیار پلیس سیاسی رژیم قرار داده‌است. اخیرا علاوه بر تمرکز بخش‌های اطلاعاتی ارگان‌های نظامی و انتظامی (اطلاعات سپاه، کمیته‌ها، رکن ۳۰۳ و اداره خراست نخست وزیری)، اداره آگاهی شهری را نیز کل کشور نیز بطور مستقیم در خدمت پیشبرد اهداف ساواک مخفی قرار گرفته‌است. انجمن‌ها، نهادها و افراد دوما قبل انقلابی مذهبی که همیشه با نقشه و برنامی علیه کمونیستها عمل کرده و می‌کنند هم‌اکنون با محافل رنگارنگ سلطنتی طلبان و دستگاہ‌های جاسوسی غرب مستقیم و غیرمستقیم امکان‌های تجارت خود را برای پیشبرد امر مشترک مبارزه ضد کمونیستی در اختیار رژیم قرون وسطایی خیمینی قرار می‌دهند.

با این همه رشد و گسترش اعتراض و مبارزه مردم علیه رژیم و تشدید تظاهراتی درونی حکومت و انفرادی در روز افزون آن به شمر بخشی هر چه بیشتر مبارزه با پلیس سیاسی می‌افزاید. رشد و گسترش مبارزات کارگران و زحمتکشان بخش مهمی از نیروی مبارزات کارگران و زحمتکشان است. این مبارزات می‌کند و از کارایی آن علیه سازمان‌های انقلابی بی‌گناه، افزایش تجربه و کارایی اعضا و کارکنان سازمان ما در مقابل توطئه‌های مستمر ارگان‌های امنیتی در چند سال اخیر، عامل مهم دیگری به نفع مبارزه علیه پلیس سیاسی است.

نکته قابل تأمل تا کنده این است که هرگز نباید نیروی دشمن را از میزان واقعی آن کمتر ارزیابی کرد و چرا این خطا شده که نیروی مبارزات با لفظ مبارزات در نظر گرفته شود. مبارزات کارگران و زحمتکشان می‌کند. این خطا برای مبارزه ما خطرناک است. اما علیرغم این برای مبارزات مبارزات در لحظه ما در پیشگاه مبارزات و تکتیک صحیح، با جلب فزاینده حمایت کارگران و توده‌های وسیع زحمتکشان و با کاربست دقیق فن و هنر مبارزه با پلیس سیاسی بی‌تردید موفق خواهیم شد. توطئه‌های دشمن را با شکست روبرو سازیم. برای سازمان ما این مبارزه موفق و پیروز است. با ساواک رژیم با بدقوانین خاص مبارزه با پلیس سیاسی را بطور همه‌جانبه بکار گرفت. از سه پیروزی دربرده‌های ما با دشمن، رعایت و کاربست صحیح این قوانین است. تجربه همین چند سال اخیر نشان داد که در صورت رعایت پیگیری این قوانین شکست و ناکامی از آن دشمن خواهد بود.

در اینجا ما با توجه به نیازهای مخفی تشکیلات، نکاتی را مورد توجه و تأکید مجدد قرار می‌دهیم:

سیخ‌ها که تمام تشکیلات در مبارزه علیه پلیس سیاسی:

مبارزه با پلیس سیاسی وظیفه عمومی و مشترک کلیه اعضا، کارکنان و فعالین سازمان است. یکی از اصول اساسی مبارزه موفق علیه پلیس سیاسی خنثی‌سازی خودی و خنثی‌سازی بخشیدن به این مبارزه است. هدف این است که در زمین مبارزه و گسترش فعالیت انقلابی جدا کرد نیروها و امکانات سازمان از گزند توطئه‌های دشمن محفوظ بماند. بدون تردید حفظ کارکنان و رهبران، جدا از تلاش برای حفظ کلیه اعضا و فعالین و امکانات تشکیلاتی، امری محال و غیرمستقیم قابل تحقق است. هر قدر توده تشکیلاتی را نظرسازی و معلومات و تجربه کارمندی تشکیلاتی را نظرسازی داشته باشد، بهمان میزان امکان موفقیت بیشتر در آسیب رساندن به تشکیلات و بیوزره‌کارها بیشتر می‌گردد. علیرغم رعایت کلیه اصول مخفی کاری رهبران و کارکنان، چنانچه تلاش مستدلانه و همه‌جانبه برای ارتقاء شناخت تجربه‌ها، همکاری فعالین صورت گیرد، خطر صریح جدی وجود خواهد داشت. این منظور ضروری است که از طریق آموزش پیگیر و همه‌جانبه نظری و علمی، تجارت و فنون مبارزه

با پلیس سیاسی، و کنترل پیوسته کم و کیف کار است. این آموزشها، میزان مصونیت سازمان مخفی را در مقابل ضربات توطئه‌های دشمن پیوسته با لایبرد، افزایش مداوم تا حد کلیه توطئه‌های جدید پلیسی، انتقال تجارت و معالجات جدید به کلیه سطوح سازمان مخفی با بدیگریانه و بدون وقفه دنبال شود. هر موفقیت و شکست کوچک، هر اطلاع از شگردها و شیوه‌های نوین دشمن، حتی با بدیله آموزش بسزای کلیه اعضا و فعالین سازمان مخفی تبدیل شده است. در هر شرایطی (جز در موارد معدود و با هدف یا تک‌زنی به دشمن) می‌توان و باید روش‌های عمل دشمن را بطرق مختلف نه تنها به‌گوش توده تشکیلاتی رساند، بلکه به‌جای اعلام نمود، دانسته‌ایم اقدامات قطعی خود را با این شیوه‌ها و توطئه‌ها محدود نمی‌گردد، بلکه معرفی و افشای عوامل مسئول مستقیم و غیرمستقیم ارگان‌های اطلاعاتی و جاسوسی پلیس سیاسی، را نیز شامل شود (عنا صریح که بیشتر اساسا فاکتورها و اطلاعات غیر قابل بدیله کار ملامت در نتیجه ارگان‌های اطلاعاتی و جاسوسی هستند). در نتیجه این افشاگریها، تجارت تازه به‌جای اعلام می‌شود، عوامل اطلاعاتی و عملیاتی پلیس سیاسی در جامعه انگشت‌نما و رسوا می‌شوند. ارگان‌های امنیتی و جاسوسی در اجرای نقشه‌ها و توطئه‌های خود با مشکلات بسیار جدی مواجه می‌گردند و بالاخره اشرافیتی و کارایی آنها به میزان چشمگیری کاهش می‌یابد.

گسترش دادن روز افزون کار توده‌ای:

کار در میان کارگران و زحمتکشان و سازماندهی مبارزه آنان وظیفه بنیادین و حیاتی سازمان ما است. این وظیفه را باید با جدیت و وفاداری و با استفاده از ظرفیت‌های توده‌های بی‌نیروی متحرک خود، رعایت حال و عمل بنیادین برای حفظ سازمان مخفی و تعداد و فعالیت انقلابی آن است. اعضا و فعالین سازمان مخفی هم‌اکنون در پیوسته با ساواک و سیاست صحیح، بی‌گناهی برای بسیج سازمان‌دهنده سیاسی مبارزات توده‌ها، یعنی انجام وظیفه بنیادین خود می‌کوشند، به موازات آن با همه‌امکان تشکیلاتی توده‌ای، یعنی امکان‌های تازه که در نتیجه گسترش فعالیت و مبارزه توده‌ای سازمان ما فراهم می‌گردد، در پیشبرد مبارزه سازمان، از جمله علیه پلیس سیاسی رژیم بکار گیرند.

در شرایط پیگرد وحشیانه پلیس و دیدگاه توریستی، سازمان مخفی، تنها با برخورداری از این کمک‌ها قادر به حفظ خود و زنده‌ماندن پلیس سیاسی است. خطا است اگر تصور شود که سازمان مخفی می‌تواند بدون فعالیت مستقیم در میان توده‌ها، بدون گسترش دادن روز افزون پیوندهای عینی توده‌ای و صرفا به‌گسترش تبلیغات، از طریق بخش تراکت و اعلامیه‌ها و نشریه‌ها و فعالیتهای مشابه تبلیغاتی خود را در زمینه بسیج سازماندهی توده‌ها انجام دهد. تبلیغات از طریق بخش تراکت و اعلامیه‌ها و نشریه‌ها گسترش می‌دهند، اما بنیادین ضروری است، ولی علاوه بر آن ضرورت مطلق دارد که سازمان مخفی با اختصاص نیروی انسانی کافی بطور مستقیم تا بدیله در میان کارگران و زحمتکشان مستقیم فعالیت کند و با شرکت فعال و موثر در مبارزه روزمره آنان و توضیح موانع و اهداف سازمان حمایت آنان را نسبت به سازمان جلب کند. اگر سازمان‌های مخفی در این مسیر با سرعت و تحرک لازم و بیش از پیش جلو روند، هاله حفاظتی که شبکه روابط توده‌ای بدور سازمان‌های مخفی پدید می‌آورد، گسترده‌تر می‌شود و روز بروز نیرومندتر و در برابر ساواک رژیم که پیش‌ازپیش مصمم به نابودی ما است، بوجود می‌آید.

روابط توده‌ای وسیع به سازمان مخفی امکان می‌دهد نیروی مشترک ارگان‌های امنیتی را تجزیه کند و در مسیرهایی که انرژی و امکانات آنان را تلف می‌کند، منحرف نماید. فعالین می‌توانند خود را در میان توده مردم بی‌گناهی استوار کنند که هم‌اکنون خود را گسترش دهند و هم از دسترس دشمن دور بمانند. وسیع و روابط توده‌ای امکان می‌دهد که سازمان مخفی در مقابل با یورش‌های پلیسی متحرک لازم را بدست آورد و ضربات وارده را به سرعت ترمیم نماید.

هر تشکیلات مخفی هر اندازه که قوی باشد، وقتی نتواند در انجام وظیفه بنیادین هیئت خود موفق شود، یعنی نتواند خود را با شبکه گسترده‌ای از روابط توده‌ای ببویشاند، در معرض ضربات شدید دشمن قرار می‌گیرد. فهم دیالکتیک این ساله، کلیه مرکزی درک نقش متقابل کار مبارزه توده‌ای در حفظ سازمان مخفی از یورش دشمن است.

محدود و مسدود کردن کارکنان اطلاعاتی پلیس سیاسی تلاش بی‌وقفه و مداوم برای مسدود کردن تشکیلات کارکنان اطلاعاتی پلیس سیاسی یکی دیگر از اصول مهم مبارزه مخفی است. متغیر این اطلاعاتی است که

که ما بیش‌از‌دارای جنبه سری و امنیتی برای سازمان مخفی نبوده و حفظ آنها امنیت سازمان انقلابی را به میزان وسیعی تضمین می‌کند، پلیس سیاسی برای اقدام شور علیه سازمان مخفی نیاز به اطلاعات صحیح و گواهی از افراد، ارتباطات، امکانات و شیوه‌های عمل و فعالیت سازمان مخفی دارد، بدون این اطلاعات پلیس سیاسی قادر به اجرای نقشه‌های خود نیست.

پلیس امنیتی از طریق شبکه وسیع عمیق و خبرچینان خود، از طریق عوامل نفوذی، تعقیب و مراقبت افراد شناخته‌شده یا مظنون به فعالیت انقلابی، کنترل مکاتبات و مکالمات، گشت‌نمای اطلاعات از درون زندان‌ها، جستجوی گسترده افراد شناخته شده مبارز توسط شبکه‌های موری و "توابین" کنترل و شناسایی ساکنین جدید محلات، غلبه بر جدیدان از راه و کارخانجات و شرکتها، کنترل حرکات "مشکوک" از طریق سیستم گشت‌های متنوع شهری و جاه‌ها، پیش‌بینی گوناگون و بررسی و ارزیابی نظرو عکس‌العمل سازمان مخفی در مقابل این شیوه‌ها، مطالعه دقیق و روشنگاری فاش‌نامه‌ها و نشریات و اوراق تبلیغاتی سازمان مخفی، همکاری اطلاعاتی با سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهای ارتجاعی دیگر، اطلاعاتی مورد نیاز خود را در سازمان‌های مخفی انقلابی جمع‌آوری می‌کند. برای مسدود کردن کلیه این کارها، با بدیله مطالعه و شناخت دقیق روشها، تکنیک عمل و امکاناتی که پلیس سیاسی در هر یک از مسواریات فوق بکار می‌گیرد، مطالعه و جمع بست تجربیات کارمندی سازمان‌های مخفی انقلابی، تسلط پلیس و بین المللی، سیستم کار و اطمینان بخشی از اقدامات آموزشی و تدارکات سازمانی و مسدود اطلاعاتی را بطور بی‌وقفه و پیوسته در عرصه‌های مختلف حیات و فعالیت سازمان مخفی حساسی ساخت.

اصل سریت یکی از اصول پایه‌ای فعالیت سازمانی در شرایط اختناق و پیگرد پلیس است. رعایت همه‌جانبه این اصل مطلقا ضروری است. رعایت این اصل به معنی اعمال و ایجاد انضباط نیرومند نظری در کاربست مجموعه نسبتا کاملی از اقدامات و مؤثره‌ها و اطلاعاتی برای مقابله با بسیاری از فعالیت‌های اطلاعاتی دشمن است. مقابله مؤثر با تشکیلات دشمن، برقراری کلیه ارتباطات و تماس‌های سازمانی به شکل کار و مخفی و دروازه‌چشم پلیس سیاسی، تقسیم صحیح اطلاعات در سطوح تشکیلات، حفظ صحیح اسناد سری و مکتوب سازمانی، آشنایی کامل با تجارت با جویبی در زندان، فاش نکردن اسرار سازمانی در شرایط سخت و دشوار، انضباط صحیح با محیط کار روزگاری، تأمین پوشش و توجه کامل با طبیعت برای کلیه فعالیت‌های تدارکاتی و تماس‌های سازمانی و استفاده صحیح از امکانات مخفی و عملی مهم‌ترین جوانبی است که با بر عاریت می‌شود.

برای تکمیل سیستم فدا اطلاعاتی ضروری است که رهبری سازمان مخفی در هر لحظه معین ارزیابی واقع بینانه‌ای از کم و کیف اطلاعات پلیس سیاسی سازمان داشته باشد. محدوده اطلاعات دستگیر شدگان، محدوده احتمالی رد پلیس، نوع اطلاعات مطروحه در دنیا، نگاریها و مکاتباتی که بر اساس ضوابط تعیین شده از سوی رهبری مرکزی انجام گرفته‌اند، اطلاعات موجود در نامه‌های سرشده، دبیر رسیده و یا با زنده توسط پلیس، اطلاعات پلیس سیاسی در سیستم و شیوه‌ها و ارتباطات سازمان مخفی و... همگی باید جداگانه برای رهبری سازمان مخفی قابل ارزیابی باشد. تا بتوانند تدارکات و اقدامات را برای گسترش رشته اطلاعات پلیس سیاسی مسدود کردن راه‌هایی که گسترش اطلاعات پلیس و در نتیجه سرکشیها ت ترمیمی انجام دهد، بعمل آورد.

کسب اطلاعات از درون ارگان‌های حساس رژیم:

کسب اطلاعات از دشمن برای تحلیل صحیح رویدادها، اتخاذ تکتیک درست، مقابله همه‌جانبه با رژیم، برای سازمان مخفی یک امر حیاتی است. همانطور که ارگان‌های اطلاعاتی و جاسوسی رژیم تلاش می‌کنند سازمان‌های انقلابی اطلاعات دقیق گردآوری کنند، همانطور هم سیستمی دارند تا به از درون اطلاعات حساس و سری از درون دستگاه‌های گوناگون حکومتی به بیرون گردانند، از سایر سازمان‌های مخفی انقلابی، وظیفه دارد، نیروهای خود، هواداران و اعضای خود را به درون و بیرون ارگان‌های مهم تصمیم‌گیری و اجرایی مرکزی، منطقه‌ای و محلی رژیم، از بالاترین تا پایین ترین سطح آن نفوذ دهد، این نفوذ بطور عموم بر سه طریق شغلی، فامیلی، دوستی و هواداران و اعضا کارکنان با اعضا، مستمسک و کارکنان ارگان‌های دولتی صورت می‌گیرد. کسب اخبار و اطلاعات صحیح سیاسی، اقتصادی، نظامی

تبدیل سپاه ارتجاع به ارتش

محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران ارتجاع، طی آخرین حکم خمینی در تاریخ ۲۶ شهریورماه ۶۲ به مورثان هرجه سریع و پراکنده "سپاه پاسداران" مجهز به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی قوی "کنشد". مطابق این حکم، سپاه پاسداران به سطح یک ارتش کامل در کربلای ارتش موجود رژیم ارتجاع می‌باید. تبدیل سپاه به یک ارتش، در واقع به معنای یک هدف از اهداف دیرینه رژیم ولایت فقیه بوده است. رژیم طی سالهای اخیر، مداوما در تقویت سپاه کوشیده و خمینی خودباورها را از این ارگان حمایت بدون قید و شرط کرده است. سپاه پاسداران از یک نظریه یک حزب سرپا مسلح است که در اختیار ولایت فقیه قرار دارد و وسیله تحقق هدفهای فئودالیست و بیگانه‌سازی ارتجاعی آن است. اصول و ضوابط ناظر بر تشکیل سپاه پاسداران ارتجاع با ارتش متفاوت است. افراد سپاه همه پس از آزمونهای ایدئولوژیک و سیاسی و بعد از بررسی‌های متعصبانه و معمولاً با ضمانت "معتبر" دست‌چین میشوند. این امر سبب می‌شود که سپاه ارتجاع هرجه بیشتر به یک حزب مسلح شبیه باشد. اقدام اخیر خمینی آشکارا بیانگر بی‌اعتمادی

سازمان رژیم نسبت به ارتش است. ارتش بجای آنکه از رژیم شاه، علیرغم کنترل و مراقبت دائمی و ایجاد دوا و تراپدولوژیک، سیاسی و سیستمی در تمهیدات دیکتاتورانه، مورد اعتماد و اطمنان رژیم قرار گیرد. ارتش با توجه به ساختار سیستم آموزشی و سازماندهی آن اصولاً مورد اعتماد و ولایت فقیه نیست. ولایت فقیه به ارتش خاص خود برای سرکوب خلق و تاجا و زگری نیازمند است. ارتش موجود در وضعیت دلخواه سازمان رژیم قرار ندارد. شبکه کمیته‌ها نمونه دیگری از ارگان‌های سرکوب خاص ولایت فقیه است. این ارگان تاکنون در جرایم بیشماری در سرکوب، ترور و شکنجه انقلابیون، پرونده‌های و کشتارهای رزمی مرتکب شده است. شبکه کمیته‌ها در واقع بشما به شهرتانی رژیم ولایت فقیه عمل می‌کنند که جدا از شهرتانی سیاسی موجود به حنا و سرکوب سازمانهای انقلابی و نیروهای مترقی مشغول است. رژیم جمهوری اسلامی ساواک خاص خود را از طریق یکا و گری سازمانگرای چون فرودست و به خدمت گرفتن مدها ساواک کارگشته رژیم شاه و به ویژه با گسترش وسیع تحارب ساواک در کشتار انقلابیون و زندانیان سیاسی ایجاد کرد. تلاش وسیع سازمان رژیم برای ایجاد یک نیروی قوی سرکوب و تاجا و زخاص ولایت فقیه با توجه به وجود تضادها و اختلافات جدی ارتش و سپاه، نگرانی وسیع فرماندهان ارتش را برانگیخته است. زیرا که

فرمان تبدیل سپاه پاسداران به ارتش، مستقیماً موجودیت ارتش رژیم را به زیر سوال می‌برد. اعلام صریح بی‌اعتمادی به ارتش برای رهبران رژیم که همبندان خود را از ادا ماموریت ارتجاعی ایران و عراق هستند، خالی از ملاحظه و در دسترس نیست. به همین علت سازمان رژیم بلافاصله به دلداران ارتش مشغول شدند. رفسنجانی در زمان زحمت ۱۹ مهر ماه برای دلجویی گفت: "ارتش ما از با وفا ترین ارتشها در جهان است و اعتماد ما به این ارتش بعنوان پشتوانه انقلاب اسلامی هر روز بیشتر می‌شود". بدیهی است که سازمان رژیم با این حرفهای سرگرم کننده هیچگاه نخواهند توانست ارتضا دفرا بنده ارتش و سپاه جلوگیری کنند. سپاه پاسداران بعنوان نیروی اصلی سرکوب و تاجا و ولایت فقیه، همراه با شبکه کمیته‌های انقلاب اسلامی ساواک رژیم، طی سالهای اخیر با سرکوب و خشنودنیروهای انقلابی، سرکوب اعتراضات کارگری و دیگر اعتراضات و نظرات توده‌های مردم کارنامهای بس ننگین سپاه از خود بجای گذاشته است. این ارگان که با اصول و ضوابط خاص ایدئولوژیک، سیاسی روحانیون حاکم و بسا تربیت شدت فکری و بیعتی و ضد انقلابی سازماندهی شده است. در مقابل با مردم به تمام معنی یک نهاد تبهکار است. تبدیل این ارگان به یک ارتش کامل اکنون بطور کامل در خدمت اعمال تاجا و زگرانه رژیم بوده و سراپا بر ضد مصالح و منافع مردم ماست.

شناخت مداوم تاکتیکیا و روشهای متنوع پلیسی:

هدف از این شناخت، تغییر و تکامل خلقانسه روشها و وسک کار سازمان مخفی بمنظور پیش گرفتن و غلبه بر روند تغییرات و تکامل اشکال و روشهای پلیسی سیاسی است. بدون رعایت این اصل زمینه برای وارد آمدن ضربه به سازمان مخفی فراهم می‌شود. علاوه بر این، تشخیص اهمیت وزن هر یک از تاکتیکیا یا پلیسی دارای اهمیت ویژه است. در بر توشناخت تاکتیکیا عمده دشمن روش و تکنیکهای اجرای این تاکتیکیا می‌شود تا بدین ضرورت برای خنثی کردن آنها تدارک دیده، عدم تشخیص تاکتیکیا عمده دشمن همیشه با دودا منته فرات را بطور جدی گسترش می‌دهد. اکنون در شرایط کشور ما، در میان مجموعه تاکتیکیا یا پلیسی، تعقیب و مراقبت، نفوذ و شکنجه و خنثیانه میا زین انقلابی برای درهم شکستن آنان شیوه‌های عمده پلیسی سیاسی برای جمع‌آوری اطلاعات از سازمانهای انقلابی است. آموزش نظری و عملی سیستم‌های تعقیب و مراقبت پلیسی و راههای بقا بله با آن، همچنان در دستور روز قرار دارد. مقابله با نفوذ ماوراء و شکسته شدن و مرتدن به صفوف سازمان مخفی و افسا افراد و حاکم مسلط ظاهراً دوا سازمان مخفی و انقلابی که با هدف شناسایی مبارزین و نفوذ به درون شبکه‌های سازمانهای انقلابی فعالیت می‌کنند، از اهمیت اساسی برخوردار است. برخورداری رژیم از مشاورت برخی از کارهای سرمتدجشنی انقلابی کلیه کارملاوقی محسوب می‌گردد. آموزش وسیع کلیه هواداران، اعضاء و کارهای سازمان با تحارب دستگیری و بازجویی در زندان آشکار کردن آنها با تاکتیکیا پلیسی در زندان و شرایط واقعی زندانها، تلاش مداوم برای دامن زدن به نفرت و کینه مقدس اعضاء و توده سازمان نسبت به مرتجعین حاکم بر کشور، و ارتقاء مداوم شورا انقلابی و روحیه مبارزاتی آنها. رعایت دقیق اصل "داشتمن جدا قل اطلاعات" وسیله موثر خنثی کردن سلاح شکنجه است.

در پایان باید بگوییم که علاوه بر نکاتسی که در اینجا بررسی شده، اصول دیگری که رعایت آنها در شرایط حاضر دارای اهمیت است وجود دارند. از آن جمله است منحرف کردن ذهن دشمن از طریق مانورهای فریبنده، تزریق اطلاعات غلط به ارگانهای امنیتی رژیم، ذخیره سازی نیرو و امکانات... توجه دقیق به کلیه مطالب گفته شده و کوشش برای آموزش و تفهیم همه جانبه آنها در کلیه سطوح سازمانهای مخفی، و مهمتر از همه اعمال کنترل و نظارت شدید و دقیق بر کم و کیف رعایت این آموزشها و وظیفه روزربری گروههای مخفی سازمان ماست. لازمه موفقیت هرجه بیشتر سازمان ما در مبارزه با ساواک خمینی این است که کلیه اعضاء و کارهای گروههای مخفی سازمان، این آموزشها را بطور همه جانبه و خلاقانه در فعالیت سازمانی خود بکار ببرند. رفقای ما باید مطمئن داشته باشند که در بر توشناخت و اطمینان و اطمینان، با یکبار پیگیری و کارانه، پیشاپیش کارگران و رنجبران میهنان، ما با بیاری دلپزانه در برابر دشمنان دشمن و با هوشیاری و کارگرمی دقیق اصول مبارزه در شرایط مخفی، توطئه‌های دشمن را یکایک خنثی می‌کنیم و راه نابودی رژیم جمهوری اسلامی را می‌گشاییم.

در راههای اخیر، تحریک به موقع و بالای آن بوده است. بسیاری از مسئولان و کارهای سازمان زیاد گرفتند که چگونه شتابان حرکت سازمانی کنه تحت پیگردندید قرار داشتند. حفظ کننده و مسئولیتها و وظایف خطیر خود را در این شرایط دشوار ریلیسی به انجام رسانند.

ابتکار و خلاقیت فعالین:

هیچ دستورالعمل ابتیعی نمی‌تواند بر اساس محاسبه تمام عناصر عوامل عینی مبارزه که در هر لحظه معین در برابر سازمان مخفی قرار دارد، تنظیم شود. همه دستورالعملها در تحلیل نهایی بیان فرده تجارب عینی است. به همین جهت نمی‌تواند تجارب دیگرین تداوم و تصمیمات و اقدامات خلاقانه و مبتکرانه فعلی که با شرایط زنده و واقعی سرکار دارند، بشود. الگو برداری و برخورد کتبی با تجارب و روشنمودهای مبارزه‌ها پلیسی سیاسی نقش غرضی بوده و حتی در برخی موارد به ضد خود تبدیل می‌گردد. ارگانهای پلیسی و جاسوسی دشمن بطور دائم روشهای عمل سازمان مخفی را در عرصه‌های گوناگون مورد مطالعه و بررسی می‌شود. فاش کردن روشها و دستورها آنها محظ و مسلط می‌شود و با تمرکز نیروی عمده خود در ضعیف ترین حلقه، ضربه را وارد می‌سازند. به همین خاطر تویض و تغییر مبتکرانه اشکال و روشهای کار مخفی و مخفی کاری در زمان زمینه ضرورت دارد. در عرصه‌های مقابله با نفوذ، تعقیب و مراقبت، و نظایم تمام آنها و ارتباطات سازماندهی و تکنیکات، در اتخاذ تصمیمات مهم در مراحل حساس... از تکرار و اصرار روی اشکال کار که برای پلیس شناخته شده است باید جدا برهیز شود. هر شیوه‌کاری که لومی رود و سازمان مخفی آن مطلع می‌گردد، باید در کلیه سطوح سازمان مخفی ترک شده و وسک کار جدیدی جانشین آن شود. باید بشی ز پیش ابتکار و خلاقیت فعالین سازمان مخفی در کشف روشهای نو افزایش و ارتقاء با بد.

تجزیه و تحلیل دائمی علل فریات:

برای پیدا کردن حلقه‌های ضعیف امنیت سازمان مخفی، باید بطور مداوم راجع به علل مواردمشکوک از قبیل تعقیبها، شواهدی که دال بر نفوذ پلیس است، شایعات و اخباری اساسی که در سطح سازمان مخفی رواج می‌یابد، ضربات دستگیریهای ظاهراً تصادفی و... تحقیق دائم و متکا فاشتهای صورت گیرد. اطلاعات ناقص باید مداوم تکمیل و بسبب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مواردی که امکان تحقیق آن فملا وجود ندارد، باید پیشتر شده و طی مدت‌های حتی طولانی برای کشف علل آنها بی جویی شود. بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اخبار و اطلاعات موثق و مسلم، باید کلیه اقدامات و تداوم رقتی برای رفع تقیسه امنیتی سازمان مخفی، تقویت طبقه‌های ضعیف و مسدود کردن به موقع کارهای احتمالی ضربات تدارک شوند. باید هوشیاری و بود که شایعات و اخبار دشمن ساخته در مورد علل مواردمشکوک و فریات، از اخبار واقعی تشکیک گردد. در برابر بصورت طبق تحارب بشما و تجزیه و تحلیل غیر فاشانه این مجموعه اطلاعات واقعی و غیر واقعی، کنکی به حفظ امنیت سازمان نگردد و سد راه ضربات بعدی پلیس نخواهد شد.

امنیتی و برنامهریزی همه جانبه و حساب شده و سرما به گذاری برای گسترش امکانات اطلاع‌گیری، با استفاده از امکانات موجود با دید عمیق به یکی از مهمترین عرصه‌های فعالیت مبارزاتی سازمان مخفی تلقی گردد.

تجربه احزاب انقلابی نشان می‌دهد که موثرترین اقدام پیشگرایانه در برابر توطئه سرکوب گسترده و با موضعی، مقابله موثر با نفوذ جاسوسان دشمن به درون سازمان مخفی، شناسایی دقیق تاکتیکیا و تکنیکهای موارداستقا به پلیسی سیاسی و راه مقابله با آنها و در یک کلام محافظت از سازمان در کروز حضور مخفی هواداران و اعضاء سازمان در جوار با درون مراکز تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی دشمن و ارگانهای اجرایی و ضربتی پلیسی سیاسی می‌باشد.

کارهای رهبری سازمان مخفی باید در پارساخ به ضرورت حاتی تا مین حداکثر امنیت سازمان مخفی، تمام ابتکار، خلاقیت و امکانات موجود را برای کسب اطلاعات دقیق و صحیح از مراکز حساس و حیاتی دشمن بکار آندازد و بدون تمایل نزدیک بسا رهبری مرکزی سازمان بر تاهم‌ریزی دقیق و حساب شده‌ای برای حصول موفقیت در این امر مطرح است و اجرا کنند.

حفظ و ارتقاء مداوم هوشیاری انقلابی

سازمان مخفی باید به کلیه پدیده‌ها و رویدادهای مشکوک محیط فعالیت خود، به اخبار هر اکم اهمیت فعلی، هرگونه تغییر و وضع گشته‌های مخفی و علنی دشمن به دستگیری و تعقیب، دید و باز دیدهای مقامات امنیتی، وضع جنبش توده‌ای و تغییرات آن کارملا حساس بوده و اعضاء خود را بسا این روحیه پرورش دهند. این حساسیت قطعاً باید مبتنی بر واقعیتی است که با خونریزی با شدت همواره از زمانی‌های شتابزده و ذهنی به‌زیسان سازمان مخفی تمام می‌شود. رهبری سازمان مخفی باید با خونریزی و با خنثی کردن فشار روانی دشمن که همیشه با بزرگنمایی قدرت و دامنه اطلاعات خویش آنرا اعمال می‌کند، امکانات، رویدادها و اخبار را واقعیت بیابانه تجزیه و تحلیل کند و تصمیمات مناسب اتخاذ نماید. در ارتقا تصمیمات و اجرای آنها باید از هرگونه برخورد خشونت‌ناکه یا جان نطفه کارانه برهیز شود. عدم اعتماد به هر آنچه که امکان آلودگی آن می‌رود، و نشان دادن تحریک به موقع، باید بدون یک رهمشودا اساسی عمل پذیرفته و اجرا شود. داشتن نقشه عمل برای زمانه که سازمان مخفی آنجا را است بعلت یورش دشمن یا قریب الوقوع بودن آن عقب نشینی‌هایی بکند، تحریک سازمان مخفی را در مقابل دشمن بسیار بی‌اامی برد. پس تحریک به موقع و مناسب سبب می‌شود که امکانات و نیروها هرجه بیشتر حفظ شوند و سازمان مخفی در حداقل زمان ممکن نیروی خود را برای تعرض مجدد آماده کند. سازمان مخفی در صورت حفظ و ارتقاء مداوم هوشیاری خود و فرا می کردن دایمی امکانات تحریک لازم و به موقع، می‌تواند مسدود باشد که ابتکار عمل در عرصه‌های متفاوت نباشد و گزینش میدان نبرد را در دست خود نگذارد. یکی از دلایل موفقیت سازمان ما در حفظ نیروهای خود، تعرض ارگانهای امنیتی دشمن

پیرامون کار سازمانگرایانه در میان کارگران و زحمتکشان

رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی استبداد پس از بهای باقیه ای را بر کشور حاکم کرده است. این رژیم تشکیلهای صنفی - سیاسی کارگران و زحمتکشان را بطور عمده درهم شکسته و منحل نموده است.

رژیم فاشیستی امکان فعالیت علنی - قانونی را از کلیه احزاب و سازمانها و گروههای انقلابی سلب کرده، بلکه آنها را تحت شدیدترین پیگردها قرار داده است.

سیاست نفاق ارتجاعی رژیم، که همه عرصه های زندگی اجتماع را شامل می شود، موجب نارضایتی عمومی مردم گشته است. نارضایتی مردم از حکومت مدتهاست که به اشکال گوناگون اعتراضی بروز کرده و هزارگانه ای جنبه های دتری بخود می گیرد.

مردم خواهان پدید آمدن راه مناسب برای غلبه بر این وضعیت تکلیف بار هستند. مردم با چشم باز به صحنه های برخورد با رژیم می نگرند و بیش از گذشته تلاش و فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی را نظاره می کنند. این وضعیت زمینه را برای گسترش مبارزه سیاسی و سازمانگرایانه در میان توده های زحمتکش پیش از هر زمان دیگری فراهم کرده است.

در چنین شرایطی آن حزب و سازمان سیاسی موفق خواهد شد، رهبری جنبش انقلابی مسترد را بدست گیرد که قادر شود شعارهای خود را به میان مردم ببرد و آنان را حول این شعارها متحد کند و سازماندهی کند.

مردم دارای روند بسیار پیچیده ای است. علمسی و انقلابی بودن شعارهای ما به تنهایی نمی تواند ملاکی برای پذیرش آن را از جانب مردم باشد. تجربه تمام انقلابیون جهان و تجربه مشخص سازمان خودمان حاکی از این است که علاوه بر دافعتی بودن ما، برای تأمین این امر وجود رابطه ای بسیار نزدیک بین پیشرو مردم و زحمتکش حتمی و لازمی است. این امری است دو جانبه، یعنی تأثیرگذاری بر کارگران و زحمتکشان ضرورتاً باید با تأثیرپذیری از آنها و خصوصیات مبارزاتی و انقلابی آن سازمان همراه باشد. اگرچه گسترش رابطه بین پیشرو و توده زحمتکشان بطور عمده محتاج وجود شرایطی است دیگر؛ تنگ سیاسی در جامعه است، ولی تحقق این امر در شرایط دیگر، از جمله در شرایطی که توده مردم دارای روحیه اعتراضی هستند، و در شرایط رشد و گسترش و آوج گیری مبارزات مردم امکان پذیر است.

پیشبردگی کار انقلابیون کمونیست در شرایط دیگراتوری شدید و فتنان در این است که از یک طرف برای ادامه کاری نیاز به رعایت حداکثر مخفی کاری است و از طرف دیگر ادامه کاری انقلابی بطور اساسی در گرو جلب و جذب هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز تشکیلات کمونیستی و جلب اعتماد آنان است.

تنها راه حل این مسأله پیچیده، تلفیق درست کار علمی و مخفی و گسترش کار آگاه گرانه و سازمانگرایانه است. کار سازمانگرایانه مستقیم در میان توده ها، یک وظیفه بنیادین و همیشگی است. امروزه سازمان کارگری بطریق بخش نثری سیاست و اعلامیه ها و تراکت ها و گسترش تبلیغات و تظاهرات و تظاهرات مهمی بر جنبش انقلابی مردم گذاشته است. ولی ما زمانی قادر هستیم اثری همه جا نیتر عمیق تر برای گذاریم که این تبلیغات گسترده را با کار سازمانگرایانه مستقیم در میان توده ها همراه کنیم.

بیشرفت کار مستقیم آگاه گرانه و سازمانگرایانه در میان کارگران و زحمتکشان (کار توده ای)، منوط است به آشنایی و یگانگی دقیق متد علمیه در این امر. در همین رابطه ضروری است که به تدریج اندوخته سازمان در زمینه کار توده ای توجیه جدی شود.

این امر احتیاج به تجربه و مهارت دارد. در همین رابطه نئین درجه باید کرد می گوید: "آزمودگی انقلابی و مهارت سازمانگری خالص اکتسابی هستند، فقط کافی است که انسان بخواد همدخال لازم را در خود بیوراند! فقط کافی است که انسان از آگاهی به چگونگی کمیته های خویشتن که در کار انقلابی هستند، رفع بیش از نیمی از آنهاست برخوردار باشد!"

متشکل ارتوده ای

کار توده ای دارای اشکال گوناگونی است. چگونگی کار توده ای تابع عوامل مختلف از جمله تابع شرایط سیاسی جامعه، موقعیت حزب طبقه کارگر در میان کارگران و زحمتکشان، روحیات و ویژگیهای فرهنگی مردم، درجه نفوذ پدئولوژیهای غیر پرولتری در میان آنها و عوامل متعدد دیگر است. هدف از کار توده ای، بردن آگاهی انقلابی و وسوسا لیستی به میان کارگران و زحمتکشان و جلب و جذب آنان به سوی سازمان و کمک به ایجاد تشکیلهای صنفی - طبقاتی مستقل آنان است.

شرط اصلی موفقیت کمونیستها در کار توده ای کسب اعتماد توده ها در سطح جامعه و در محیط کار و زندگی آنهاست. عمده ترین راه کسب اعتماد مردم دفاع بیگانه از آنهاست و ایثار کارگران آنهاست. آنها را با اهداف و خواسته های آنان آشناست. در کار این امر راهنمای هر یک از فعالیت ما در پروسه پیش کسار توده ای است. زمانی که کارگران و زحمتکشان در محل کار روزگاری خود رقیب و نزدیک و دلسوز به خود و توانا در حل مشکلاتشان تشخیص دهند، کدام مقدم و اساسی برداشته می شود.

تجربه اثبات کرده است که زحمتکشان کمونیست را بعنوان نماینده و سخنگوی خود می پذیرند و کمترین اعتماد دو طرفین را به او داده اند. باید توجه داشت که عوامل خرابکار و اعتبار شکن و ماحیان سرمایه به نوبه خود تلاش می کنند که به اشکال مختلف اعتماد توده مردم را جلب نمایند تا مبارزات آنان را به انحراف و شکست بکشانند.

اینکه اعتماد دگرگونه بدست می آید به عوامل بسیار زیادی بستگی دارد، از جمله به رزمندگی و هنر و تجربه رهبران کمونیست مربوط است. در محیط های کار و عرصه ها، عواملی که در خدمت عرصه کار خود ما، با تجربه و موفقیت آنهاست، کمالاتی که دارای صراحت و شجاعت لازم است، کمالاتی که دارای خصوصیات انسانی دوستانه اند و به سبب این مشکلات همکاران خود توده خود توده بیشتر می دانند و دلسوزانه برای حل آن می کوشند.

از میان موفقیت زبانی برخی برخوردارند. داشتن اعتماد به نفس در گفتار و در کردار و مقاومت در برابر انواع دشمنی ها و مشکلات در جری کار و مبارزه، روحیه ای که اعتماد توده ها را ترویج می کند.

در محیط های زندگی نیز کمالاتی بیشتر می بینیم. موفقیت را در این مرحله اعتماد زحمتکشان در اینگونه از طرق مختلف به حل مسائل و مشکلات آنان بسیار می رسانند.

در یک کلام کمونیستها هدایت جزئی به کارگران و رنجبران ندارند و همین نالوده اعتماد و تقابل مردم و آنان است و بر همین شالوده کمونیستی می توانند با پیدا اعتماد توده ها را جلب کنند. ریشه اعتماد مردم به هر یک از فعالیت کمونیست رشته ای است که به سازمان او که می خورد، و در خدمت گسترش آگاهی انقلابی پرولتاریایی و ایجاد تشکیلهای صنفی - طبقاتی زحمتکشان و جلب و جذب بیشتر و نشان به تشکیلات کمونیستی است.

شرکت در تشکیلهای موجود

ضرورتی که در محیط کار و یا زندگی تشکیلهای صنفی توده ای وجود داشته باشد، ضرورت قطعاً دارد که فعالین سازمان به اشکال مختلف در این تشکیلهای وجودی شرکت کنند. در این تشکیلهای وجودی باید دلیل امکان ورود به این تشکیلهای در شرایط مشخصی برای ما ممکن نباشد باید دیگر راه های تأثیرگذاری برای آنها را پیدا کرد. در صورتی که سیاست حاکم بر تشکیلهای موجود، سیاستی است که برای ما مناسب است، باید هدف فعالیت کمونیست از طریق شرکت در این تشکیلهای صنفی و تلاش برای دگرگون کردن سمت و سوی این تشکیلهای وجودی و رهبری آن به نیروهای مردمی، جنبش تشکیلهای را دگرگون کند. باید توجه داشت که ما ناچاریم تحت همان شرایط و با همان ابزاری که در دسترس هست کار را آغاز کنیم. جزا این طریق ایجاد تشکیلهای مستقل و فراگیر و برتری آنها ضرورتاً با تشکیلهای موجود ما نمی تواند باشد. علاوه بر این، کار در اینگونه تشکیلهای صنفی کارگری و توده ای سازمان را از جنبه های گوناگون آزموده می سازد و تجربه فراوانی را در زمینه تطبیق کار علمی و مخفی و نحوه برخورد با توده ها و هدایت و متشکل کردن آنها در اختیار فعالین کمونیست قرار می دهد.

هیچگاه نباید زیاد درباره هر مشکل کوچک به هر اندازه هم که دایره عملش محدود باشد

در این شرایط که زمینه اعتراضی در میان کارگران و زحمتکشان روبه گسترش است، می توانیم تشکیلهای بزرگتر و موثرتری گردانیم. فعالین فدایی باید توجه داشته باشند که برخورد رقیفانه و انقلابی و دلسوزانه با فعالین سندیکایی و با سایر پندگنان سابقه دار و مورد اعتماد توده کارگران، استفاده از تظاهرات و مفید انسان تلاش در جهت ارتقاء آگاهی انقلابی و وسوسا لیستی آنان و جلب و جذب آنان به سازمان کمونیستی مهم ترین وظایف کار توده ای است.

نباید فراموش کرد که در اکثر موارد جلب و جذب این عناصر پیشرو به معنی پیدا کردن پایگاه وسیع در میان کارگران و زحمتکشان آن محل است.

ایجاد تشکیلات

هرگاه در محیط کار و فعالیت تشکیلهای توده ای وجود نداشته باشد یا تشکیلهای فطالین سازمان نباید این تشکیلهای توده ای را ایجاد نمود. تلاش خود را متوجه ایجاد تشکیلات نباید کرد. کار بنیادین در راه ایجاد تشکیلهای توده ای همانا جلب حمایت مادی و معنوی کارگران و زحمتکشان آن محیط به ضرورت ایجاد تشکیلات و ترویج و بسط آنان در جهت مبارزه در این راه است.

مهم ترین سبب در این راه مواضع قانونی و غیر قانونی است که رژیم متوجه حامی سرمایه داران و مالکان در سراسر ایجاد تشکیلهای وجودی می آورد. حربه مقابله با آن تعمیق و گسترش مبارزه متحد کارگران و زحمتکشان در راه ایجاد تشکیلات است. در عین حال باید در هر شرایط مشخص بر اساس ارزیابی منین درخواستهای کارگران و زحمتکشان و میزان آمادگی شان برای مبارزه در هر دو حالت تولیدی و یا محیط زندگی اشکال معینی از تشکیلات در دستور قرار داد. این مبارزه ضرورتاً از مراحل و فازهای مختلفی می گذرد.

از جمله نکات بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

در این مبارزه بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

بسیار مهم در این رابطه آن است که در اغلب موارد راه ایجاد تشکیلات صنفی - طبقاتی فراگیر از کمال ایجاد تشکیلهای با دایره عمل محدود تری گذرد (مثلاً ایجاد تشکلهای صنفی، بسط تشکلهای صنفی، در شرایط کنونی، یکی از عمده ترین طرق ایجاد پایگاه های تشکیلهای کارگری در واحدهای تولیدی، ایجاد تشکیلهای صنفی است. این تشکیلهای صنفی باید به تدریج تشکیلهای ملی و بین المللی ایجاد کنند.

افراشته باد پرچم رزم کارگران!

رویدادهای جهان

اتحاد شوروی:

با همه توان، برای صلح

میخائیل گنبارباچف دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی، به دعوت فرانسوا میتران در مساه گذشته از فرانسه دیدار کرد. این دیدار به جهت وضوح بحران بین جهان و مسائل پیچیده اروپا و به لحاظ مناسبت مطروحه مذاکرات از اهمیت بسیار قابل توجهی برخوردار است.

میخائیل گنبارباچف، قبیل از مسافرت در مساه به باخترینگار از تلویزیون، مواضع اتحاد شوروی را پیرامون مسائل مختلف تشریح کرد. وی در مورد اوضاع بحرانی جهان گفت: " آنچه امروز در جهان روی می دهد، چندان خشنودکننده نیست. تشنجات اوضاع بین المللی افزایش می یابد. خطرناک جمع موشکی هسته ای گاش نمی یابد. کوهها بیسی از اسلحه جمع شده، ولی با این وجود در تلوید و مدبرینزه کردن آن تسریع می شود. اروپا اکنون اروپا یگانهای نظامی و سلاحهای مدرن را گنبارباچف شده است. " میخائیل گنبارباچف همچنین گفت: " برای اینکه زنده بمانیم و آینده کودکمان و تنوعهای خود را تا مین کنیم، باید نیروهای جنون، نیروهای جنگ و میلیتاریسم را میسازیم. با زیم، تا جنگ را قبل از اینکه شعله ور گیرد، بندخا موش کرد. آیا این امکان پذیر است؟ مسافینان داریم این کار امکان دارد ما هم اکنون تجربه مثبتی از موفقیت تشنج زدایی داریم که نیروی حیاتی خود را حفظ کرده است. مواضع بیگنارباچف همه مقاد دستنهایی هستند که تسلیحات اروپا را بهبود بخشید و برها می راکه بر فراز آره متراکم شده است برآکنده سازد. "

میخائیل گنبارباچف بعد از ملاقات با فرانسوا میتران، در پاریس فرانسه حضور یافت و بنیاداتی مهمی پیرامون اوضاع کشوری جهان و اروپا ایراد کرد و پیشنهادهای جدید شوروی را برای رفع تشنج جهانی ارائه داد. رفیق گنبارباچف اظهار داشت: " در این شرایط بحال مشهور هاملت، یعنی " بودن یا نبودن "، نه در برابر یک فرد، بلکه در برابر تمام بشریت مطرح می گردد. این امر به کلی مساله جهانی تبدیل می شود. تنها یک پاسخ می تواند برای این باشد: بشریت و تمدن را باید به تفتیش حفظ شود. اما این اسرفظ زمانی می تواند تا مین گزیده شود. زندگی باید یکدیگر را بداند و با آموختن هنر دشوار در نظر گرفتن منافع یکدیگر. در این سازه کوچک بشریت، ما این را با سیاست هنریمتی، سیاست مینویم. ما مقدر گاش فی نیرومند هستیم تا هرگونه تلاش برای برهم زدن امنیت و کار صلح میز مردم کشورهای را طرفدوف نماییم. ما معتقدیم که نباید نیروی سلاح، بلکه صرفا نیروی نمونه شدن است که می توان محتاید شولوزی و برتری نظام اجتماعی را که مردم به اراده خود انتخاب کرده اند، ثابت نمود. این عقیده را سخاست. "

دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: " ما بطور یگانگانه گسترش موشکهای میان بردار اروپا را متوقف ساختیم و از ایالات متحده خواستیم به همین شکل عمل نماید. ما همه آما بیگنارباچف سلاحهای هسته ای را متوقف کردیم و از ایالات متحده خواستار زروش نماییم. "

اتحاد شوروی پیشنهاد می کند نیروهای مسلح و جنگ افزارهای هر دو طرف در اروپای مرکزی گاش می یابد و این امر با گاش نیروهای مسلح شوروی و آمریکا آغاز گردد. ما حاضریم تعداد بیشتری از نیروهای نظامی خود را نسبت به آمریکا کاهش دهیم. "

میخائیل گنبارباچف در مورد پیشنهادها ی جدید اتحاد شوروی گفت: " اکنون ما بلم که مساه است جدیدی را که از جانب اتحاد شوروی برده شده است به اطلاع شما رسانیم. همه پیشنهادها هدف معینی را تعقیب می کنند، توقف روند پیچیده مسافینان تشنجاتی و رفع خطر جنگ که بر بشریت ما یفا فکند است. "

پیشنهاد اول - چند روز پیش ما به ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کردیم که هر دو کشور به منع کامل سلاحهای ضربتی که میان تن در دست و سلاحهای هسته ای که برنا آنها به کشورهای همدمیگرمی رسد تا پنجسازه در دست گاش می یابد. "

پیشنهاد دوم - هر دو طرف سلاحهای هسته ای میان بردار اروپا، بخاطر تسهیل توافق پیرامون سریع ترین کاهش متقابل، ما عقدهما وقت تا مه جدا گانه را بدون ارتباط متقدم میسازیم که تسلیحاتی و سلاحهای استراتژیک میان میزبیری دانیم. منظور ما می رسد که این راه عملی است. "

پیشنهاد سوم - شما می دانید که ما به تلسی را پیرامون استقرار موشکهای میان بردار اروپا

اعلام کرده ایم. تعداد موشکهای اس اس ۵۰۰ شوروی که اکنون در منطقه اروپا میسازیم به حالت آماده باش هستند، ۲۴۳ عدد است یعنی این تعداد تقریبا با میزان آن در ژوئن ۱۹۸۲، هنگامی که اختصار موشکهای اضافی ما در جواب به اختصار موشکهای میان بردار آمریکا در اروپا آغاز گردید، تطابق دارد. موشکهای اس اس ۲۰ اضافی که در این جریان مستخرافه اند، اکنون از حالت آماده باش و استقرار دائمی در آورده شده و این موشکها در دو ماه آینده بر پیچیده خواهند شد. "

با ایدافافه کردیم ما قبلا همه موشکهای بیسیار نیرومند اس اس ۵ را بر پیچیده ایم و بر پیچیدن موشکهای اس اس ۲ را ایدافافه می دهیم یعنی تمام موشکهای میان بردار در دست شوروی این موشکها میسازیم تا حتی با زنده سال پیش است. " میخائیل گنبارباچف افزود: " اینکه تعداد موشکهای خود را محدود کرده ایم، ناشی از علاقمندی ما به امنیت اروپا می باشد. فکرمی کنیم که اکنون اروپا حق دارد منتظر جواب ایالات متحده آمریکا و قطع استقرار بیشتر موشکهای میان بردار در اروپا باشد. "

در دیدار میخائیل گنبارباچف از فرانسه مذاکرات مفصلی بین وی و فرانسوا میتران پیرامون مسائل مهم جهانی و روابط اتحاد شوروی و فرانسه انجام پذیرفت. دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی این مذاکرات اساسی و عالی توصیف کرد.

دیدار میخائیل گنبارباچف از فرانسه، خصوصا بدلیل گفتگوهای انجام شده در زمینه صلح و پیشنهادهای جدید اتحاد شوروی برای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در جهان با تانکا بیسیار گسترده ای می باشد. در جریان این سفر یکبار دیگر وبگوشه های بسیار روشن و نیرومند مبارزه عمیق و پیگیر اتحاد شوروی برای حفظ و تحکیم صلح جهانی در برابر برتری عمیاش گشت. ایسین مبارزه بشردوستانه، سورد حاکمیت همه ملل جهان است. "

عملیات تروریستی ریگان

به دستور ریگان، چند دهه های آمریکا بیسیار هوا پیما میگری راکه حامل چهار تن از فلسطینیها بود، ربودند و به فرودگاهی در ایالت آریزونا در جزیره سیسل ایتالیا و در آرگوند، ریگان اعلام کرد که برای مقابله با تروریسم باید یسین اقدامات متوسل شده است. ریگان در بدین این حادثه، به دولت ایتالیا فشار آورد. با اوالنسیا یکی از رهبران سازمان الفتح راکه در زمان موقع در ایتالیا میسر بود، بازداشت نماید تا وی و بنخوان طرح عملیات کشتی ربایی که توسط چهار تن از فلسطینیها صورت گرفته بود، تحت محاکمه قرار گیرد. فشار ریگان و تبلیغات علیه دولت ایتالیا، به فشار بود که موجب گردید موقع دولت کراسی متوالسلی گردد و با خروج حزب جمهوریخواه (حزب طرفسدار آمریکا) از اختلاف حاکم، دولت ایتالیا مجبور به استعفا شد. "

ربودن هوا پیما های حامل فلسطینیها، نشان می دهد که ریگان و اوامفریبانه با صلاح مبارزه با تروریسم وارد میدان شده است. عملیات جنایت با برترین عملیات تروریستی متوسل شده و با بر آنها مهرتایید می زند. ریگان قبل از این حادثه، بطور آشکار و بی شرمانه، گشتار فوج فلسطینیها در تونس توسط هوا پیما های شجا و زگره میورنیتها را تا بیدو از این جنایت حمایت کرد. ریگان در طول دوره ریاست جمهوری خود با اشغال گرانسداد و کتکهای همه جانبه به ندهای فدا انقلابی در ارفناستان و نیکار اگوشه و دیگر کشورها و بسا اقدام به عملیات نظیر هوا پیما ربایی نشان داده است که به سر کرده تروریستهای جهان تبدیل شده و کاخ سفید را مقر فرماندهی عملیات تروریستی خود قرار داده است. تروریسم ریگان روز روزها مطلقتهای شدید ارسوی کشورهای و نیروهای مختلف جهان مواجسه میگرد. حتی متحدین نزدیک ریگان نیز اقدامات تروریستی وی را تایید نمیکنند. مردم مصر بسا تظاهرات وسیع خود در روزهای اخیر علیه تانکهای به تروریسم شجا را نه ریگان دانند. "

حمله تروریستی اسرائیل به پایگاه "ساف"

دولت صهیونیستی اسرائیل با ردیگر به جنایت جدیدی دست زد. هوا پیما های دولت شجا وزگسیر اسرائیل، به مقر سازمان آزادیبخش فلسطین در حومه پایتخت نژی که بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر از اسرائیل فاصله دارد، حمله کرده اند. در این حمله جنایتکارانه بیش از ۱۵ نفر کشته و زخمی شدند. "

دولت ریگان سرده تروریستهای جهان، این عمل جنایتکارانه اسرائیل را تا بیدرگرمی بنخوان اقدام " فدروریستی " شجه، این در واقع کنارت سلیدی برای عملیات جنایتکارانه اسرائیل بوده است و در ما به این حمایت احصا را بهین وزیر دفاع اسرائیل به صدارت شوروی به مقر فلسطینیها برای پوشاندن عملیات تروریستی بی شرمانه اعلام نموده: " ما در جستجوی راه حل برای آغاز مذاکره با اردنیها و فلسطینیها هستیم. تروریسم بشجا، شدر این منطقه است. در حالی که منشأ تروریسم در منطقه خاور میانه همانا دولت صهیونیستی اسرائیل است که در طول حیات خود لحظه ای از جنا و زعلیه کشورهای عربی فلسطینیها با زنیاستاد است و همواره مبارزات برحق فلسطینیها را تروریسم نامیده و علیه آنها بهرحنا بیستی دست زده است. "

اقدام وحشیانه اسرائیل، اعتراض جهان را برانگیخت. اغلب کشورهای و همه نیروهای مترقی و انقلابی عملیات تروریستی اسرائیل را محکوم کرده و اقدامی برای تشدید تشنجات در منطقه قلمداد نمودند. شجا که دولت اسرائیل و محکومیت آن توسط جهان نیان با ردیگر حقانیت سرود فلسطین را برای کسب حقوق و داشتن سرزمین مادری نشان داد. "

اعدام شاعر مبارز آفریقای جنوبی

در خیابان رژیم نژادپرست پرتوریا سینه سپر پیش " بنجامین مواربزه " شاعر مبارز و زور مرد سیاسی آفریقای جنوبی را با گلوله های سربین شکا فکند. رژیم پرتوریا برای تا بودی این شاعر مبارز به پرونده سازی متوسل شوری را متهمه قتل یکی از آفریقایلیس کرد. جنسدا پیش سرکوبسگران حکومت، بنجامین مواربزه را دگانه فراخوانند تا علیه سه تن از نمایین کنگره ملی آفریقا که در بدین شان آنها را تروریست می نامیدند، شهادت دهد. بنجامین قاطعانه دست رد بر سینه آنان زد. هر سه متهم به اعدام محکوم شدند و بنجامین به جرم عسدر همکاری با پلیس، به سلاهه افرادی که باید سربینست شوند، وارد شد. سرکوبگران بعد از این حادثه بنجامین را بنخوان مفلون در قتل یک خیرچین پلیس دستگیر کردند و در زندانهای سبانه و سبانه برای وی پرونده قتل تشکیل دادند. سبیا اورا روانه دادگاه ساختند. بنجامین دادگاه مردانه ایستاد. دادگاه وی را به اعدام محکوم کرد. بنجامین در ملاقات با مادرش گفت که: " می خواهم توبدانیکه من کلامی گشام و هیچکس را نکشتم. من از اعدام نمی ترسم ما به آزادی دست خواهیم یافت. "

بعد از محکوم شدن بنجامین، دبیرکل سازمان ملل، با سازمان وحدت آفریقا و دیگر سازمانهای جهانی و رهبران کشورهای مختلف از رژیم نژادپرست خواستند که اعدام وی را لغو کنند. ولی رژیم مستبد آفریقای جنوبی به اعتراض جهان نیان توجه نکرد. جلادان رژیم پرتوریا بنجامین، این شاعر مبارز خلق را در حالی که سرودی راکه در پشت سینه های زندان سروده بود از میسر کرد، به جوخسه اعدام کردند. این جنایتکاری خشم و نفرت مردم را در سراسر جهان برانگیخت و بنیرد علیه رژیم نژادپرست را بیش از پیش شعله ور ساخت. "

بسیست و سومین اجلاس یونسکو

اجلاس نویستی دوساله کنفرانس عمومی یونسکو در مورفی با بیخت بلفا رستان گشایش یافت. در این اجلاس نمایندگان ۱۶۰ کشور شرکت داشتند. برای اولین بار در تار بیخ یونسکو، اجلاس عمومی بدون شرکت نماینده آمریکا تشکیل گردید. دولت آمریکا که مصوبات و عملکود یونسکو را میسرنا فسیع توسعه طلبانه و استعمار پیش می دید، برای اتمام جوی ایتدا به یونسکو فشار آورد و پس از آن خارج شومین طریقی داد نشمنفان و فرهنگیان آمریکا از تماشای و همکاری در عرصه مسایل علمی، فرهنگی، حقوقی و آموزشی با همکاران جهانی آنها محروم کرد. "

بسیست و سومین اجلاس یونسکو حدود ۱۰۰۰ موضوع را بنخوان برنا همکار خود طی سالهای ۱۹۸۶ - ۱۹۸۷ قرار داد. در پیش نویس سندی که بنیاد اجلاس تسلیم گردید حدود ۱۵۰ پروژه وجود داشت. این پروژهها جنبه های مختلف فعالیت انسانی از جمله ورزش، فلسفه، سیاست، علوم اجتماعی، فرهنگی، آموزشی اطلاعات و قوانین بین المللی را شامل می شود. این اقدامات یونسکو که در جهت نزدیکسلی ملت ها و حل مفلات و مشکلات بشری است، از جانب کشورهای مترقی با استقبال روبرو گردید و دولت ریگان با مخالفت در اعزام نمایندگان آمریکا برای شرکت در اجلاس موفیه، نشان داد که با سیدار و جمل و تار یکی و ظلم و بی عدالتی در جهان است. "

مبارزات حاشیه نشینان

چند ماه است که ارگانهای سرکوبگر رژیم شاه در مدعیان جمهوری اسلامی، پیش از پیش به تخریب منازل زحمتکشان در مناطق خارج از محدوده شهران روی آورده اند. این اقدامات به بهانه وقوفی بودن زمینها و با تصرف عدوانی آنها و به موازات با تخریب کلان سرمایه داران و بزرگان مالکین فراری به کشور، جرمی شده، هجوم منقول و ار ما موران تخریب شهرداری با حمایت عوامل متفق کمپنها و تیروهای ژاندارمری به سرپناه زحمتکشان مناطق قلمه حیران، شمس آباد تهران، جاده موهوس کرخ و فیروزآباد دشری از آن جمله است. مزدوران رژیم ولایت فقیه در جریان اینس تهاجمات با یولدوز و دیگروسایل تخریب سرپناه مردم زحمتکش را ویران کرده و بی رحمانه مردان و زنان وحشی کودکان معصوم را به باد کتک و تاسوس گرفته و با آنها را مجبور به ترک خانه هایشان کردند. کمپنها فرسای که به صورت تهران و شهرهای بزرگ کشور کشیده شده، زحمتکشان را در برمی گیرد که عمدتاً با آرزوستها و شهرهای کوچک برای گذران زندگی بدینجا کوچ کرده اند و اینا از ۲ میلیون آواره جنگ خانه نشینانند که تا چنانچه شده اند خانه ها و کاشانه خود را رها کنند. این زحمتکشان که برای یافتن لقمه ای نان با خوروسنیر، از پیام ناشام استقامت می شوند، حاضر به زندگی در کمپنها در بیست و نه هانی شده اند که از هرگونه امکانات اولیه زندگی نظیر آب، برق و... محروم است. هجوم دندشتان اوابان رژیم به با مقابله و سرخساختن زحمتکشان ساکن این مناطق که هست و نیست خود را در معرض نابودی می دیدند، روبروشه است. مردم شگفتان با شکار "مرگ بر خمینی" و "مرگ بر پاسدار" با جوب و خشت و یا دست خالی به مقابله با مزدورین رژیم برخاسته و در برخی نقاط حتی با سلاح مزدوران، آنها را وادار به عقب نشینی کرده اند. مقاومتها و شجاعت زحمتکشان از محدوده دورترین ریهایی رژیم، در سطح جامع معس انکسار وسیعی یافته است. اخیراً در سمناری کنه با حضور استانداری و فرمانده کمپنهاهای تهران تشکیل گردید، یک بار دیگر بر لزوم "قاطعیت" در تخریب خانه های خارج از محدوده تاکید شد. همچنین تشکیل کتف و یزهای در کماندها گشت در رژیم اعلام گردید، که چندین از کمپنها و شهرهای ژاندارمری را در برمی گیرد و قول گسترش آنها هم داده شده است.

در مصاحبه های ریکاردی که مقامات ذریبط از جمله شهرداری تهران، برای فریب افکار عمومی و ایجا دترس در زحمتکشان ترتیب داده اند، به وضوح و با کمال وقاحت هدفهای این ویران سازیه را تشریح نموده اند. شهردار تهران اظهار داشت که: "در سرخساختن تخریب خانه های نشینان صرفاً این ساله مورد توجه باشد که یک عده مستضعف رفتند و اموال خانه و فرش زیر پای خود را فروختند و یک چهارم دیواری درست کردند و شهرداری آنس و خانه آنها را تخریب کرد. قضاوت را به اصاحات دادن کار درستی نیست. باید مجموعه مسائل جمهوری اسلامی را در نظر گرفت." (اطلاعات ۱۵ مرداد ۶۴) البته روش استکه بنظر شما صالح جمهوری اسلامی همان مصالح موقوفه شما را تو سرمایه دارانی است که رژیم در خدمت انسان است و در راه منافع آنها از هیچگونه حیانتت و جنایتی دریغ نمی کند.

حاشیه نشینی و بدینا مدن حلی آبادها در اطراف شهرهای بزرگ از ریلای اجتماعی ویترو نظام سرمایه داری است که در همه کشورهای سرمایه داری وجود دارد. خصوصاً در کشورهای سرمایه داری مثل ایران، حاشیه نشینی فقر و محرومیت شدیداً حاشیه نشینان یک حاشیه عمومی است. ادعای سران رژیم در مورد از بین بردن حاشیه نشینی، نظیر آن یک ادعای پوپ و فریبکارانه است. برای غلبه بر این مصائب اجتماعی به حیات تنگن رژیم جمهوری اسلامی، حاشیه نشینی

کارگران و زحمتکشان ایران! سران خائن جمهوری اسلامی مدعا هزار بار در جنگ کثیفه گشتن داده، مدعا شهر و روستا را به آتش کشیده و کشور را ویران می کنند. سران رژیم چشون جنگ دارند، همه چیز را در خدمت جنگ در آورده اند. دشمن طایفه در هر جا که هستند، علیه جنگ اعتراض کنید، علیه جمع آوری کتف و تمام نیرویه جهه اعتراضی کنید. علیه جنگ اعتراض کنید، برای صلح نظرها را ت کنید. با شین جنگی رژیم را فلج سازید.

سازمان فدائیان خلق ایران (انگلیسی)

اخراج کارگران

بسته و بعضی از آنها بصورت نیمه تعطیل و یا بطور کامل تعطیل شده اند. همچنین صنایع فولاد سازی ا هوازده نفر، کاشی، ایران ۹۰۰ نفر، شرکت کتک و صنعت کارون شوشتر بیش از ۱۰۰۰۰ نفر، پشم و پتوی تبریز تا مسی کارگران شیفت شب، شرکت حمل و نقل ۴۴۰ نفر، کفش سازی ۷۰۰ نفر، شرکت گاز سانی جنوب ۵۰ نفر، کارخانه فرودان ۳۴ نفر، کارخانه کولرسازی ۶۰ نفر، کارخانه کتک ۳۰ نفر، کارخانه های برادران گلپایگانی بیش از ۱۰۰ نفر، کارخانه پلاستیک ۱۵۰ نفر، شرکت هیپال کوپیش از ۱۰۰ نفر، شرکت ها ماراک (کویا تو) وابسته به دولت ۳۰۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرده اند. همچنین بیش از هشتاد نفر از کارگران ایران تا سیون سال در اختیار رجاها قرار داده شده اند. اخراج ۷۰۰ نفر از کارگران ماشین سازی تبریز در دست اقدام است. کارخانه بهوشی تعدا دی از کارگران را اخراج یا با خرید اجباری کرده و به ۸۰ نفر از کارگران خود گذشته است که با پیدا ستغای خود را بیستند. کارخانه قرقه رجا بندیل و وسیع بسندمالی، تعدا دی از کارگران را موقت و کارگران و کارمندان را که سابقه کاری کمتر از یک سال داشته اند، اخراج کرد. کارخانجات کابل سازی، و نیوسال، ابریشم فوم و شرکت شعله و ویرین تعدا دی از کارگران خود را اخراج کرده اند. در کماندها های گسترده و تعدا دی با خرید های ای جباری، و با زحمتکشی های زودتر از موقوع در اینها دی سابقه جریان دارد. مثلاً ۶۰ نفر از کارگران شرکت بوتان را ای جباراً با خرید کرده اند. در کارخانه سینون ۴۰ نفر از کارگران با زحمتکشی ای جباری شده اند. در کارخانه بلموند تعدا دی از کارگران را با خرید و با برخی اجباری نرستاده اند. در کارخانه ذوب آهن تعدا دی از کارگران که سابقه کارشان بیش از ۱۵ سال است بازنشسته ای جباری شده اند. در کارخانجات بهوش، و نیوسال (آسال) و شرکت شعله و ویرین تعدا دی از کارگران را با خرید اجباری کرده اند. در بسیاری از کارخانجات نیز بیعتت وضع بسند مالی حقوق کارگران را به موقع پرداخت نمی کنند، مثلاً به کارگران کارخانه سانی که منشا ۵ ماه حقوق ندادند به کارگران صنایع جنوب که غذا را در بیعتت ماه چندماه حقوق ندادند - حقوق کارکنان و گن پارس و کارخانه ایگار (کارخانه ریستنگی و پافتننگی) با تاخیر زیاد پرداخت می شود. اخراج کارگران توسط جمهوری اسلامی پدیده تازه ای نیست که امروز اتفاق می افتد. اما اراجاهی اخیراً تعدا دی بسنیار گسترده ای دارد. اگر چه گذشته عمدتاً کارگران و همچنین کارمندان مبارز و انقلابی به بهانه های مختلف توسط مسئولان رژیم و عوامل سرمایه داران کارخانه ها اخراج می شدند، و به صفوف عظیم بیگاران کشور می پیوستند، اکنون توده وسیع کارگران از کار برکنار می شوند، این وضع اکنون بیش از هر زمان دیگری نگرانی و نفرت کارگران را برانگیخته است.

بحران ارزی و مالی که به کاهش شدید تولید و اخراج وسیع کارگران توسط رژیم منجر شده است، در نتیجه آدامه جنگ توسط جمهوری اسلامی و مقابله به مثل رژیم صدام در حمله به خا رگ و دیگر مراکز صدور نفت به اوج رسیده است. بمباران بی دری، جزیره خا رگ و نفتکش هایی که در سواحل پسران با رگیری می کنند، به کاهش شدید صدور نفت انجامد است. در نتیجه رژیم نمی تواند از زودتر نیاز خود را با صدور نفت کار زبست آورد.

در عین حال رژیم منبع دیگری در اختیار ندارد که جانشین نفت سازد و از زودتر نیاز خود را تا مین کند، وابستگی اقتصادی و تکنیکایی اقتصاد کشور به در آمد نفت که در رژیم گذشته به ریخته شده، با سیاستهای جمهوری اسلامی نه تنها کاهش نیافت، بلکه تشدید گردید.

وابستگی همه جانبه صنایع کشور به امپریالیسم علت انفعال بحرانی است که اکنون موسسات تولیدی کشور را در خود فرو برده است. رژیم برای مقابله با وضع بحرانی کنونی بجای قطع جنگ و چاره اندیشی اساسی، کارگران را رافوج فوج اخراج می کند. بجای آنکه جنگ را قطع کند، پروژه های عمرانی را قطع می کند، تولید را کاهش می دهد، حقوق و مزایای کارگران و کارمندان را قطع می کند. مسلم است که رژیم با این جنایات بی شرمانه و ضد انسانی قادر نخواهد بود بر بحران کنونی اش غلبه کند. این جنایات بحران را گسترش می دهند، نفرت کارگران را از رژیم عمیق تر و آسان را در نا بودی این رژیم فاسد مضم تر خواهد کرد. طبقه کارگر و توده های رنجبر در عین مبارزه برای قطع جنگ و نابودی رژیم همین امروز با فشار شدیدی از اخراج های وسیع و توده ای و با با خرید های ای جباری و با زحمتکشی های زودتر

از موقوع، روبروست، بنا بر این هر کارگر که آت می وظیفه دارد که به موازات تربیتی توده کارگران برای برقراری صلح و برتری رژیم آت را علیه اخراج ها نیز بسیج کند. با پیدا کتک های بکار گرفته شونده در وهله اول مانع از اخراج ها شود. برای جلوگیری از اخراج ها، قبل از همه اتحاد و یکپارچگی کارگران را در واحدها و واحدها است. ضرورت عینی برای این اتحاد کامل وجود دارد. هر کارگری می داند که اگر امروز هر چند اسم او در لیست اخراج چیها درج نشده، ولی هیچ تضمینی نیست که فردا نیافتد. مبارزه برای جلوگیری از اخراج آنها بی کسه امروز اخراج می شوند، در عین حال مبارزه برای جلوگیری از اخراج آنها بی کسه است. اعتراضات خواهند شد، هر کارگری این را می داند و به این امر اعتراضات و وظیفه فعالین پیشرو هرواحدها است که با فعالیت آت هکانه و سازماندهی خود این اعتراضات انفرادی را به اعتراضات جمعی تبدیل نمایند. برای سازماندهی این امر در واحدها می باید هسته های مفکی کارگری تشکیل شده است با بسند تدا رگات و اقدامات لازم را بعمل بیا و رند.

کارگران شاغل با پدیده باری و رفتی اخراجی خود بیستابند و تمام تلاش خود را برای ریکاری کردن کسه اخراجیها در برابر به سرکارها برگرداند. از مدتی که کارگران اخراجی، بیکار مانده اند، با بسند کارگران شاغل از نظر مالی به آنها کمک نمایند. برای اینکار نیز سازماندهی لازم است. حتی می توان از قبل این امر را پیش بینی کرد و به موقع به ایجا صندوق برای حمایت مالی از اخراجی برداخت. اقدامات کارگران اخراجی و کارگران شاغل در هرواحدها منطبق با پدیده ها باشد، ما هم اکنون شاهد نمونه های موفقی از حرکت کارگران در این راستا در بعضی از واحدهای تولیدی هستیم. این حرکتها باید گسترده گردند و به یک جا بیست توده ای از اخراجیها تبدیل شوند. با پیدا شونده این حرکتها ای جباراً راجوب یک واحد تولیدی خارج شده و بعد منطبق با رشته ای... بخود بگردند. در این صورت این مبارزه موفق تریش خواهد بود و خواهد توانست افزایش بردهوش کارگران سنگینتری می دهد. امروز بیشتر از هر زمان بی ضرورت دارد که توده کارگران برای مقابله با اخراجها زیر شعار "اخراج خود را به ما بیاورید" بسیج شوند.

جمهوری اسلامی از گاه بسته از صفحه ۱۲ هتداری دهد که "تصمیمات نا شیان را انکسار بگذارد و هرتجا، ایران می خواهد در اختیارش قرار دهند. اما برخلاف مورس انگلیسی، مورس امریکایی یکی دیگر از حرکت کنندگان کنفدراسی که مدت ۴ سال غمخواری ملی امنیت امریکا بوده است چهارت چوب "روایت ظریف" را کافی نمی دانند و می گوید: "تصوری که گویا من نسبت فرامیسه است. عقیده ندارم که روابط ظریف همچنان آدامه باید تا پیدا شد، آدامه این راه چنان آشفتنی به با رخ خواهد آورد که ما را دچار گرفتاریهای بسیار جدی خواهد کرد."

سخنان این نظامی امریکایی بیان فشرده سیاست شلاق و شیرینی امپریالیسم امریکایی نسبت به جمهوری اسلامی است. سیاستی که ضمن استقلال از روند زندگی جمهوری اسلامی و تشویق همه جانبه این زندگی، با فاشا زودتر و جدیتر از اینها تسلط طلبان در دست است هر چه زودتر رژیم ایران را به حکومت مطلوب خود نزدیک کند. ریچارد لوس، وزیر مشاور در وزارت خارجه بریتانیا، به رغم "اختلافات" در زمینه چگونگی روند سیاسی میان سیاست امپریالیستهای امریکایی و بریتانیا، هدف اساسی سیاست امپریالیستها ا اشاره کرده و گفت: "می خواهم سخنانم را با این نکته مهم تمام کنم که ما در بریتانیا، ما در دنیا غرب و دوستان ما در خاور میانه همگی باید عمیقاً به آن بیندیشیم و همیشه باید متوجه مفهوم واقعی آن باشیم، خلیج فارس برای همه ما همچنان بسیار مهم خواهد ماند." مفهوم واقعی این سخنان این است که کسه ایران بزرگترین کشور حوزه خلیج فارس با پدیده به امپریالیسم و زیر نفوذ آن باشد. سیاست خائنه جمهوری اسلامی که نماینده انگلیسی را چنان به "سپاه گزاری" وادار کرده و در واقع در جهت همین سیاست است. رژیم ارتجاعی، غبنی در اس برای هموار کردن همین راه یعنی حفظ نظام منقطع سرمایه دار را خواسته و جلوسن نظرمحایات امپریالیستها است که به سرکوب و بین کارگران و زحمتکشان در میان ما دست زده، زندانها را از زدنندان مبارزین مین پر کرده و حکومت ترور و خفقان را بر سر آمریقه در کشیده است. امپریالیسم که کار را تکلیف به خوبی خط رویت روحانیت مرتجع و نظام ولایت فقیه آت را خواهد و از همین روستها را به سرخورد "ظریف" تر دعوت می کند.

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

از میان گزارشها

بحران اقتصادی گسترده‌ای که در اثر جنگ طلبی و سیاستهای ارتجاعی رژیم برکشور حاکم شده، موجب مشکلات ارزی شدیدی در صنایع کشور گردیده است. اغلب کارخانجات کشور بدلیل کمبود ارز، از تامین مواد خام و قطعات یدکی و ماشین آلات جدید عاجز مانده‌اند. بودجه‌های دارا و مراکز دولتی، تقلیل یافته و اکثر طرحهای عمرانی به حالت تعلیق درآمده است.

سوء مدیریتها و اختلالات مالی بین مدیران و عدم برنامهریزی صحیح بر دامنه مشکلات و اختلالات تولید افزوده است. مدتهاست که کاهش تولید، تعطیل کارخانجات، و توقیف در برداخت حقوق کارگران در کارگاهها و کارخانجات، اخراج توده‌ای کارگران و کارمندان و بیکاری توده‌ای گسترش یافته و هرگونه اعتراضات کارگران با سرکوب و اخراج روبرو می‌گردد. اخبار زیر نمونه‌گوییایی از وضعیت بحرانی صنایع و کارخانجات کشور و فشارهای روزافزون وارده بر کارگران و کارمندان میهن ما می‌باشد:

- از تیرماه امسال بعلمت عدم تامین ارز کافی جهت خرید مواد اولیه تولید در کارخانه جنس تراش تا بر متوقف گردیده است. مسئولین کارخانه اعلام داشته اند تا زمانی که ارز کافی و مواد اولیه مهم نشود، کارخانه تولید را مجدداً آغاز نخواهد...

- سطح تولید شرکت تولیدی تهران که سازنده وسایل پلاستیکی می‌باشد، بدلیل نداشتن مواد اولیه بی‌وقتی متوقف گردیده است. با این بیان بهانه مسئولین کارخانه اعلام داشته‌اند، عده‌ای از کارگران این کارخانه را اخراج خواهند کرد. تولیدات کارخانه بلموند بعلمت کمبود مواد اولیه دچار اختلال شده است. مسئولین کارخانه بلموند تاکنون ۵۰ درصد کارگران را با خرید ۲۵ درصد آنان را نیز با نصف حقوق به مرخصی اجباری فرستاده‌اند.

- سطح تولید کارخانه هیپا لکونیر که تولید کننده ماشین آلات راه سازی می‌باشد، بعلمت نبود مواد اولیه کاهش یافته است. مسئولین کارخانه با اعمال فشار روی کارگران تعداد ۱۰ نفر از آنان را اخراج نموده‌اند.

- در کارخانه کفش نادان به بوی بعلمت کمبود مواد اولیه تولید دچار کاهش شدیدی گردیده است. مسئولان کارخانه با این بهانه حدود ۲۰ نفر از کارگران استخدای را اخراج نموده‌اند. در شرکت شعله خاور که تحت مدیریت بنیاد مستضعفان اداره می‌شود، عده‌ای از کارگران را اخراج و با خرید نموده‌اند. مسئولین کارخانه اعلام داشته‌اند بدلیل کمبود پول، بخشی از مطالبات این کارگران را نقدی و بخشی را چک خواهند پرداخت.

- در شرکت بلخ ساختمان تعداد ۹ نفر از کارگران را اخراج نموده‌اند. این شرکت که از یک سال پیش به مالک قبلی اش بازگردانده شده تا کنون اکثریت کارگران خود را اخراج نموده است. مسئولین شرکت به پیشی (تولید کننده پوچک) به بهانه کمبود بودجه، عده‌ای از کارگران را اخراج و تعدادی را نیز به اجبار بازنشسته کرده‌اند. مدیریت شرکت گفت وضعیت کار (روش) از اوایل تیرماه سال جاری تاکنون حدود هزار نفر از کارگران طرح موقت خود را که سوابقی از یک تا ۵ سال داشته‌اند، اخراج نموده است.

- اعتراض کارگران کارخانه کشمیر که کارخانه کشمیر با اعتراض دسته جمعی و متشکل خودتوا بستند، نمایندگان واقع خود را که در شوطهای انجمن اسلامی کارخانه اخراج گردیده بودند، به سرکار خود با زگردانند. کارگران در اعتراض به اخراج نمایندگان واقعی خود و تقاضای بازگشت آنان به کار و توقیف برداخت حقوق شان بطور دسته جمعی طومار را امضاء نموده و اعلام داشتند که در صورت عدم رسیدگی دست به اقدامات شدیدتری خواهند زد. این اقدام قاطع و پیگیر کارگران منجر به عقب نشینی مسئولین و قبول کلیه درخواستهای آنان گردید.

- اعتراض کارگران شرکت حمل و نقل بین المللی مسئولین شرکت حمل و نقل بین المللی که در جاده کریم روبروی دیو قرار دارد، ۴۰۰ نفر از کارگران این شرکت را به دفات مختلف اخراج نموده‌اند. این شرکت دارای ۲۳۰۰ کارمیسون و تریلی و از شرکتیای صادره شده است که به مدیریت دولتی اداره می‌شود و برای اورقنسی و مکانیکی خود ۴۰۰ کارگر استخدا می‌داشته است. ولی در اثر زودبندیها و خیانت مدیران و مسئولین اسلامی حدود ۴۰۰۰ تریلی این شرکت فروخته شود در آن تعداد ۴۰۰۰ کارگر بطور متوالی اخراج

گردیدند. این اقدامات موجب اعتراض شدیدی کارگران گردیده است. آنان بخاطر اخراجها، زودبندیها و خیانتهای مدیریت اسلامی تاکنون شکایات متعددی را به دادستان و وزارت کار ارسال داشته‌اند. اما این ارگانهای حامی سرمایه داران به بعضی رسیدگی به اعتراضات و شکایات برحسب کارگران، تهدید کرده اند که کارگران در صورت پیگیری اعتراضات خود با هجوم سپاه و کمیته رویی شده و به زندان اوین تحویل خواهند شد. علیرغم این تهدیدها، کارگران بازم بر اعتراضات و خواستهای خود فشاری نموده و از پیگیری خواستهای برحق خود دست برنداشته‌اند.

- مسئولین کارخانه اونیورسال (آاسا)، بدلیل کمبود مواد اولیه و کاهش تولید تعدادی از کارگران زن را از کارخانه اخراج کردند و همچنین تهدیداتی دیگر را مجبور ساختند. تقاضای باز خرید خود را به مسئولین کارخانه کارخانه ارائه کنند.

- ورشکستگی رژیم و اخراج کارمندان بدنبال بحران اقتصادی و ورشکستگی رژیم، اختراعی بهشتیهای از سوی نخست وزیر جمهوری اسلامی، به بهانه صرفه جویی در بودجه رژیم و در حقیقت اعلام شرمگینانه ورشکستگی دولت دستور داده شده است که اقداماتی جهت کاهش کارمندان صورت گیرد. بیروا این بهشتیها اغلب ادارات و موسسات دولتی به اخراج گسترده کارمندان دست زده‌اند. نمونه‌های زیر بخشی از این اخراجها را نشان می‌دهد:

- در اداره رادیوه ۱۰۰۰ نفر از کارمندان قرارداد را اخراج کرده‌اند.
- در شرکت نفت ۱۵۰۰ نفر از کارمندان را که قرارداد پس از ۶ ماه استخدام رسمی شونده، اخراج کردند.
- در شرکت هاما راگ ۳۰۰ نفر از کارمندان مخصوصاً کارمندان زن را اخراج یا با خرید کردند.
- در دیوان محاسبات نیز عده‌ای از کارمندان قرارداد را اخراج کردند.
- در سازمان امور استخدا می ۶۰ نفر از کارمندان قرارداد را اخراج کردند.

بازگشت فتودالها در باختران

اخیراً با حمایت سپاه پاسداران و سایر نیروهای سرکوبگر رژیم فتودالهای بزرگ استان باختران مثل عسکرخان سنجایی و پسرا میراحتمای به پس گرفتن زمینهای تقسیم شده خود اقدام نموده‌اند. آنان اعلام کرده اند که با در دست داشتن حکم از طرف دادستان، تصمیم دارند بعد از فصل درو کلیه زمینهای خود را با زین بگیرند. همچنین افراد عسکرخان سنجایی تهدید کرده اند که نیمی از محصول امسال با بد توسط دهقانان به آنان داده شود.

دهقانان اعتراضات خود را با مراجعه به مسئولین اعلام داشته و در مقابل با قدرتی کسسه جهت حمایت از فتودالها به روستا رفته بودند. مقاومت نموده‌اند. در موردی نیز فتودالی از دهقانان توسط نیروهای سرکوبگر سپاه مورد ضرب و جرح قرار گرفته و تعدادی نیز دستگیر شده‌اند. علیرغم این تهدیدات و مقاومت دهقانان در مقابل عوائل فتودالها و نیروهای سرکوبگر رژیم حامی کسلان سرمایه داران و بزرگ مالکان ادامه دارد.

مقاومت مردم علیه سپاه

در املای اخیر در شهرک عباس آباد در یک مردم به بهانه سازی دست زده و تاکنون بیش از دویست خانه در آنجا احداث کرده‌اند. این اقدام مردم با مخالفت شهرداری روبرو شده و به همین سبب چندین پیش ما مورین شهرداری به محل هجوم آورده و ضمن بازگویی تلاش نمودند تا نخستین خانه‌های جدید لوگویی شما بنند. ما موران ویرانگر شهرداری با مقاومت مردم روبرو گردیدند و نتوانستند کاری از پیش ببرند. چندانست بعد آنان به پاره تعدادی پاسدار و تجهیزات از جهت تخریب منازل به محل هجوم آوردند و دهها خانه را خراب نمودند. در اثر این اقدام خدانشانی بین آنها و مردم درگیری شدیدی رخ داد که در آن دهها نفر زخمی گردیدند. ولی با این حال مقاومت و ایستادگی مردم سبب شد که پاسداران و ما مورین تخریب شهرداری عقب نشینی کنند.

اعتراض اهالی شهرک آزادی

چندی پیش به دستور وزارت نیرو، آب و برق شهرک آزادی واقع در یک متری ۳ جاده مخصوص تهران - کریم به بهانه عدم پرداخت پول برق،

توسط کمیته مسئول آب رسانی شهرک قطع گردید. از آنجا پس از آنکه آب رسانی شهرک قطع گردید، این شهرک از طریق دولتی و دولتی، که توسط موتور برق کار می‌کند، تا مین می‌گردد. ۱۳۰۰ خانوار اهالی این شهرک که عموماً از رگسزان شرکت واحد، آموزش و پرورش، کارخانجات ایران ناسیونال، ارج، مینو و شیشه سازی مینا می‌باشند، از آب محروم شدند. در پی این اقدام غیرمردمی، مسئولین وزارت نیرو، اهالی محل بمنوان اعتراض در فلکه اصلی شهرک اجتماع نموده و خواستار رسیدگی و حل فوری مساله گردیدند. مسئولین رژیم تلاش فراوانی برای مخفی کردن مردم نمودند. ولی مقاومت یکپارچه، متحد و پیروزاندها را پس شهرک آزادی را سالخیزه مسئولین رژیم را مجبور به عقب نشینی و صدور دستور آغاز کار مجدد میب هسای آب نمود.

اعتراضات مردم علیه جنگ

مردم خستد و زجر کشیده با ختران که فشارهای شدید و طاقت فرسای رادر اثر جنگ خاننا نسوز و ادامه آن متحمل می‌فوند، مخالفت و اعتراضات خود را به اشکال مختلف بروز می‌دهند.

چندی پیش در بخش غربی، پارک طاق بستان سر نشینان بکن، از ماشینهای گشت پاسداران که قصد دستگیری دوجوان را داشت، مورد اعتراض و حمله مردم قرار گرفت.

پاسداران در مقابل این حرکت اعتراضی مردم شروع به تیراندازی نموده و چند نفر را مجروح نمودند. ولی علیرغم این تهاجم مردم متعترض و خشمگین به گروههای ۲۰۰ - ۱۰۰ نفره تقسیم شده و در طی مدتی بیش از یک ساعت که هر دم بهر دامنه اعتراض و مبارزه شان می‌افزودند، در تمام اطراف واکتاف پارک با شعارهای "مرگ بر سر جنگ طلب"، "مرگ بر جنگ افروز" و "این است شعار ملت، آتش بس - آتش بس" و "مرگ بر خمینی" به حرکت درآمدند. در مقابل این حرکت مردم پاسداران، که درون آمبولانس پنهان شده بودند، به طرف جمعیت حمله نمودند که بازم توسط مردم واداره قرار شدند. ادامه حرکت اعتراضی و خشمگینانه مردم باعث نگرائی مسئولین رژیم گردید، آنان بلافاصله با کسبل چندین ماشین پاسدار، منطقه را محاصره و به مردم حمله نمودند. در اثر هجوم وحشیانه سپاه و مقاومت مردم، عده‌ای از مردم و همچنین تعدادی از پاسداران زخمی شدند و تعدادی نیز دستگیر گردیدند. علیرغم اینکه منطقه طاق بستان بلافاصله تحت کنترل شد و پاسداران در آن مدول، حرکت مردم در کوچه‌های پراکنده کوچک و ببادن شعارهای "مرگ بر خمینی، جنگ" بازم با اعتها ادامه داشت.

زدی و اختلاس در بنیاد مستضعفان

بعلمت افشاء اختلاس و سوء استفاده مالی مسئولین بنیاد مستضعفان زجان اخیراً این بنیاد تعطیل گردید، و تعدادی از مسئولین آن تحت پیگرد قرار گرفتند.

پس از شکایات و اعتراضات متوالی مردم و بررسیهای اولیه معلوم گردید که مسئولین بنیاد مستضعفان زجان به نامهای حاجی نوروزی و صدقی با همکاران خود بنا بر شرم زدن در دهها میلیون تومان بوده و اموال بنیاد را حیف و میل و اختلاس نموده‌اند.

اخاذی از مردم در مدرس

بدلیل ورشکستگی رژیم و کمبود بودجه کسور ونا توانی دولت در تامین بودجه آموزشی، اخیراً مسئولین وزارت آموزش و پرورش به منظور جمع آوری پول، به چاپ قبوض مالی اقدام نموده‌اند. آنان به بهانه‌های گوناگون از جمله کمک به انجمن اولیاء و مربیان، و اولسین در سازمان آموزش و پرورش به خرید قبوض مالی با ارقام سرسام آورنده‌اند. بمنوان نمونه در دبستان زینب واقع در خیابان خواجه عبدالله اشغاری خرید قبض مالی ۵۰۰ تومانی هنگام ثبت نام اجباری شده و بدین ترتیب هزینه ثبت نام بر اساس قبض مالی، با نامد تومان شده است.

- در مدرسه معا دواقع در تهرانپارس نیز خرید قبوض مالی هنگام ثبت نام دانش آموزان اجباری است.
- اخیراً اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۰ تهران تصمیم گرفته است که هنگام اعلام نتایج تحصیلی دانش آموزان در اوقات مدیران مدارس ضد قبضی جهت اخذ کمک مالی قرار داده شود.
- اینگونه اخاذیهای اجباری در مدارس کسسه والدین دانش آموزان را تحت فشار مالی قرار داده و در دهم موجب اعتراضات شدید مردم گردیده و غالب والدین از پرداخت این پولها خودداری نموده‌اند.

جهلمین سالگرد تشکیل فدراسیون جهانی سندیکاها

اکتبر امسال، ۴۰ سال از آغاز فعالیت فدراسیون جهانی سندیکاها سپری می شود. تا سیس فدراسیون جهانی سندیکاها بیانگر تلاش زحمتکشان تمام کشورهای جهان برای اتحاد و مظهر واقعی وحدت بوده ای و سندیکایی طبقه کارگر در مقابل بین المللی است. با این اقدام تاریخی برای اولین بار زمانی پایه عرصه وجود گذاشت که اکثریت اتحادیه ها و سندیکاها ای کارگسری کشورهای مختلف جهان را، سرفرانز ژنود، ملیت، مذهب و اعتقادات سیاسی آنها، در صفوف خود متحد ساخت.

فدراسیون جهانی سندیکاها در طی ۴۰ سال حیات خویش، یک راه تکاملی طولانی و پیچیده ای را پیموده است. تمامی حیات چهل ساله آن به روشنی نشان می دهد که امکان واقعی برای همکاری جدی و شریک شدن بین اتحادیه ها و سندیکاها بی که دارای عقاید و نظرات سیاسی مختلفی هستند، بطور عینی و کاملاً وجود دارد. ولی افزایش و اوج گیری تشنات بین المللی که بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شده بود، تا شبرخوردن فدراسیون جهانی سندیکاها نیز بصورت تیره شدن روابط درون ملی آن بجای گذاشت. و شرایط را برای فعالیت خرابکارانه و ترغیب فکرها "فدراسیون کار آمریکا" که زیر نفوذ ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی آمریکا بود، فراهم نمود. بطوریکه در ژانویه سال ۱۹۴۹ کنگره سازمانهای صنعتی آمریکا و کنگره اتحادیه های کارگری بریتانیا و چند ساله سندیکایی دیگر از ترکیب فدراسیون جهانی سندیکاها خارج شدند. بدین ترتیب جنبش سندیکایی بین المللی برای اولین بار مواجه با تجربه در صفوف خود شد. اما برخلاف خواست و تلاش دشمنان، نه تنها تلاشهای نشد، بلکه با زهم رشد کرده و تاثیر تصمیمات آن در میان توده وسیع کارگران افزایش یافت. بطوریکه اکنون متحدان و اتحادیه های کارگران متشکل در اتحادیه های کارگری را زیر پوشش خود دارد. وظایف اصلی فدراسیون جهانی سندیکاها در برنامه مصوبه اولین کنگره آن، چنین تصریح شده است:

"... تا مبنی وحدت ممانعی سازمان های اتحادیه ای کشورهای مختلف جهان، سرفرانز ژنود، ملیت، مذهب و یا اعتقادات سیاسی آنها، کمک به پایه ریزی اتحادیه های کارگری در کشورهای بی که از نظر اجتماعی و اقتصادی توسعه نیافته اند، مبارزه علیه فاشیسم در همه جا، مبارزه علیه جنگ و غلبی که موجب بروز جنگ می شوند، سازمانگری مبارزه مشترک اتحادیه های تمام کشورهای علیه تضاد و نابرابری اقتصادی و اجتماع عزیمت کسان برای آزادیهای دموکراتیک، مبارزه برای تضمین حق کار، بالابردن سطح دستمزدها و کاهش دادن ساعات کار روزانه ..."

فدراسیون جهانی سندیکاها همواره با مسایل حاو دوبرم جهانی برخوردی فعال و طبقه ای داشته است. با اینک فدراسیون در مقاطع مختلف کمیته های بین المللی همبستگی با خلق های کشورهای مختلف از جمله فلسطین، الجزایر، یمن، میکراتیک، ویتنام، آفریقای جنوبی و شیلی بسیاری حمایت از مبارزه خلقهای این کشورها تشکیل شده است.

فدراسیون جهانی سندیکاها به پیروی از برنامه اساسی انقلابی خود همواره از مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن ما نیز در مراحل مختلف پشتیبانی نموده است. اعلامیه داخو است فدراسیون جهانی سندیکاها در شرایط باطنی حقوق سندیکاها و سرکوب و جنبانه فعالین جنبش سندیکایی ایران، محکوم کردن جنگ ایران و عراق، محکوم کردن محاکمات فرمایشی رهبران حزب توده ایران و فعالین کارگری از جمله اقدامات اخیر فدراسیون جهانی سندیکاها است.

فدراسیون جهانی سندیکاها در طول حیات خود موفق به برگزاری ده کنگره شده است. در نهمین کنگره آن، اعلامیه حقوق سندیکایی، مورد تصویب شرکت کنندگان از ۱۳۴۱ کشور جهان فرار گرفت. این سندسیا مهم، بطور کلی برنامه فعالیت سندیکاها ای کارگران و زحمتکشان جهان است و اهمیت تاریخی و جهانی دارد.

فدراسیون جهانی سندیکاها طبق اساسنامه برنامه خویش با تمام نیروهای مترقی جهان علیه امپریالیسم، در راه استقلال ملی، صلح و پیشرفت اجتماعی همکاری دارد. چهل سال مبارزه پیگیر فدراسیون سندیکایی جهانی در راه تحکیم وحدت و همبستگی جهانی کارگران، برای حفظ صلح و جانایات میازات خلقهای تحت ستم جهان بسیار قابل ارج و وثایان تحسین است.

دانش آموزان علیه جنگ و رژیم

خود را از دست داده اند. بهیا رژیم برای جوانان میهن تنها مرگ و نیستی است. اما طبق همه فشارها و سرکوبها، رژیم توانست دانش آموزان را به تسلیم و ادا رد و فریاد اعتراض آنان را خاموش گرداند. سبزه طی دو ساله اخیر با فضای بیشتر چهره جناحی ارتجاعی رژیم خمینی، توده وسیع دانش آموزان در برابر سیاستهای ارتجاعی آن به مقاومت و مبارزه دست زده اند. رژیم خمینی در مدارس بیشتر از هزار مناسن دیگر تنها مانده و بی اعتبار می شود. انجمن های اسلامی و مورثی ازمی گریه اند. دانش آموزان طرد شده و مورد تفرقه رزمی گریه اند. دانش آموزان فعالان در مبارزات توده ای شرکت می کنند. سبم دانش آموزان انقلابی در اعتراضات ضد جنگ و ضد رژیم، بنیانگران است که دانش آموزان به سیاستهای ارتجاعی رژیم تمکین نمی کنند و فعالان علیه آن می رزمند.

این شرایط وظایف خطیری را بر عهده دانش آموزان پیشگاه و پیشروان مبارزات دانش آموزی قرار می دهد. باید به شکل متکی اختناق موجود در مدارس را درهم شکست و تبلیغ سیاسی را گسترش داد. هر چه تبلیغ سیاسی و فعالیت انقلابی در مدارس گسترش یابد بهرمانند در میان اندامه جو اخناق و دیکتاتور و تقویت عقاید مبارزه و راه می یابد. رژیم ارتجاعی جاسوسی و سرکوبگری بیشتر می شوند و توده دانش آموزان و مدارس را برای فعالیت متشکل و کار انقلابی می یابند. یکی از مهمترین وظایف انقلابی دانش آموزان مبارزه و فعالیت در میان فعالان در جنبش توده ای مردم علیه جنگ و رژیم است. مبارزه علیه جنگ نقش بزرگی در بسیج دانش آموزان دارد. باید مدارس را به پایگاه بی نفیج جنبش صلح طلبانه مردم علیه رژیم جنگ افروزمی بدل کرد و اجازه داد که رژیم با عوام مردمی و تحصیل و توده دانش آموزان را به جبهه بیکار کند. دانش آموزان آگاه و مبارز باید در هر فرمته زنده و پویا درون از مدرسه چهرو گریه این رژیم جناحی را افشا کنند و دانش آموزان را به حضور هر چه فعال تر در مبارزات گسترش یابند. توده ای فرا خوانند. رژیم جناحی ارتجاعی را شکست دهد. جنگ، کشتار، فحشان، فقر و سوز و زخمی و غیره انگیزی را که بزور سوز به مردم ما تحمیل کرده، همچنان ادا می دهد. دانش آموزان و جوانان میهن ما همچنان که در ۱۳ تپان و روزهای انقلاب نشان دادند، سهمی بزرگ در جنبش انقلابی ایران خواهند داشت.

خط اول متشکل از راست گرا هاست که در حال حاضر حکومت را در دست دارند و ما باید زستان به سخت خود را سرنگاریم. این خط مدبرکار است. ... بیروان این خط مطلقاً مخالف کمونیسم و شوروی هستند. اینها متعصب گسترش روز افزون روابط دوستانه با غرب هستند و این برنامه را از اساساً اروپا آغاز کرده اند و می توانیم به جرات بگوییم که در آینده نزدیک از سرگیری روابط با آمریکا را آغاز خواهند کرد و این سنگی دارد که ما با گرایش آنها چگونه رو برو شویم.

بیشتر تحصیل موریس، سپس ضمن افشای روابط دوستانه با غرب هستند و این کشورهای غربی توصیه کرده با "این گرایش" برخورد و قطع بیانه های کرده و این روند را بسیم خود سر مست بخشند.

"اگر نظر این با شده آنها را زیر نفوذ قرار دهیم پس باید آنها را بشیم. این حضور با دیدم از نظر بازرگانی با شدوم از نظر سیاسی، از نظر بازرگانی و سیاسی با آنها می در آنجا دریم و می بنادرم که واشنگتن از یگان ما خرسند باشد. ... ایران حتی حالا که در وضعیت ترین وضع خود قرار گرفته دو مین مشتری ما درخا و رویان است. در اینجا تصمیمات ناشیانه ای در مورد عدم فروش اسلحه و کاهش در مورد فروش بعضی کالاها وجود دارد. از این نظر که تجهیزات و وسایل کاری که آنها دارند سبب چه نظامی و چه غیر نظامی می فرآورده های غربی است، این تجهیزات به سرعت رویه پایمان نهاده اند. بعضی آنها به کلی تمام شده اند. خوب اینها را باید تجدید کرد، یا آنها که باقی مانده اند محتاج مراقبت دقیق تری است. حال اگر فرب چیزهایی را که ایران لازم دارد ندهند، دولت ایران به هر چه روی خواهد کرد تا آنها را از خود را بر طرف کند.

سخنان این سیاستمداران انگلیسی بی سیاست از سیاستمداران رده نژادیک جمهوری اسلامی به غرب واقعیتی است که او از بارزاشده آن را با بی ندارد و با حرارت به دیگر کشورهای امپریالیستی

جمهوری اسلامی از نگاه امپریالیستها

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، هر روز به دروغهای نفرت انگیزی روی می آورد تا جبهه اروپا خسته و سفاک خود را در پدای "فدا میهن" لیستی "انقلابی" نمایان به بنیان سازد و در پشت این فریادهای چندش آوره اقدامات فدمالسی و فدمیهایی خود را ده دهد. هر چند امروز کمتر کسی است که فرب این ذلکار پیهایی تبهکارانسه را بخورد، با اینهمه اطلاع از بیان حال این رژیم ارتجاعی از زبان نمایندگان و تحلیل گران امپریالیستی برای مردم میهن ما بسیار آموخته است.

در کنگره ای که در اوایل فروردین ماه با شرکت نمایندگان محافل امپریالیستی آمریکا و انگلیسی و سایر ااندازی سلطنت طلبان ایرانی در لندن برگزار شد، تحلیل گران امپریالیستی ضمن آشکار کردن وقیحانه ملامح پلید امپریالیستها نسبت به میهن ما، به بررسی تحولات ایران و جمهوری اسلامی پرداختند. که در این میان سخنان "بیشتر تحصیل موریس" نماینده حزب محافظه کار انگلستان در مجلس عوام و دبیر کل "اتحادیه بین المللی" بویژه قابل توجه است. وی در قسمتی از سخنانش ضمن بررسی رژیم جمهوری اسلامی و جناح بندیهای درونی آن گفت:

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA
ایریش: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN RAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER